

(جمعی گفتند اعتبارنامه ایشان هنوز بمجلس نیامده)

سلیمان میرزا - بلی بنا بود خیابانی هم الان در اینجا بنشیند ولی باید گفت زنده و مرده افراد این مملکت محترم است باید در این مملکت اگر وقتی یکی را کشتند بعد از چند سال دیگر جماعتی باشند که بگویند این بیچاره را چرا کشتند یا چنانچه آقای ملک الشعراء فرمودند اگر دوره های فترتی پیش بیاید مردم بی جهت تلف شوند و امیدواریم همیشه مجلس باشد که باید ما دستان بکرسی خطابه برسد تا موقع درست است این حرفها را بگوئیم که مردم بدانند تا اینکه بالاخره در ترتیبات مملکتی يك اساس و قراری گذارده شود

باری باز باصل مسئله بر میگرددیم این آقای مخبر السلطنه فرمودند خیابانی قائل به لامر کزیت بود و عالی قاپو را تصرف کرده بود باین واسطه واجب القتل بود و از مرکز پول میخواست و وقتی ایشان در مرکز بوده اند این ترتیبات را میدادند به باین حال در وقتی که به تبریز میرفته اند به او گفته اند من باتو هم مسلمم اگر بگوئیم ملتفت نبودند اینطور نیست و در موقعی که هیچکس قانون را ملتفت نمیشود ایشان قانون را تفسیر میفرمودند بنده این قسمت را تصدیق دارم و زحمات ایشان را در دوره اول مجلس میدانم لکن همینطور یکی از وکلا یعنی آقای سعدالدوله در دوره اول ابوالمله بودند بعد که برخلاف رفتار کرد دیگر چیران آن نشد خیلی خوب بنده میخواستم عرض کنم جمله هم مسلک بودن را توضیح بدهند آقای مدرس میفرمایند حامی رنجبر شدند و در راه آزادی خدمت کردند و از همه چیز گذشته و حتی دهقان هم شدند قزاق نمی کنند اگر هم دهقان شدند باز هنوز لقب حاج مخبر السلطنه را دارند و جزو اعیان هستند پس در نظر داشته باشند که هنوز دهقان هستند در هر حال میخواستم این مسئله را بفرمایند که بچه ترتیب با مرحوم خیابانی هم مسلک شدند و بعد از ورود به تبریز و هجو عمومی چرا بفراقها و مأمورین دولت که در تحت اوامر ایشان بودند امر نکردند مزاحم خیابانی نباشند در صورتی که میفرمودند به شخصی که اسمش در نظرم نیست گفته اند برو خیابانی را پیدا کنند که او رفته پیدا نکرده است خیلی خوب در همان ساعت خوب بود به قزاق ها می گفتند مزاحم خیابانی نباشد علاوه بر اینها بنده چیزهای دیگر شنیده ام که صدق و کذب آنرا نمیدانم تحمل الصدق والکذب میگویند چند روزی هم شهر را غارت کرده اند خودشان میفرمودند زن خیابانی بچه هارا نداده اگر بچه هایش را میداد

آنهارا هم میبردند در مسجد و میکشند حق داشتند وزن هافله بوده که بچه هارا نداده میفرمودند چون بچه هایش را نداده معلوم میشود باعث قتل خیابانی رفقای او بوده اند باید اینرا توضیح بدهند و معلوم بشود بهترین وسیله برای معلوم نمودن این مسئله گمان میکنم همانطور که پیشنهاد شد تشکیل يك کمیسیون تحقیقی باشد تا ایشان اسناد و مدارك خود را در آن کمیسیون ارائه دهند اگرچه باز هم بسته بنظر اکثریت است خود بنده هم این پیشنهاد ارجاع به کمیسیون تحقیق را نکرده اند خود دانند رأی بدهند معتارند مخالفت هم بفرمایند حق دارند

محمد هاشم میرزا - خیلی میل داشتم حضرت والا اسناد خود ارائه دهند **سلیمان میرزا** - استاد بنده یکی جنازه مرحوم خیابانی است عرض کردم اگر بنده امشب در خانه ام بروم و مرا بکشند آیا تکلیف حکومت نیست که تحقیق کند و ببیند این قتل بچه ترتیب واقع شده آیا اگر یکی از برادران یا وکلای همقطار من در اینجا بیاید و بگوید دیشب خانه فلانی رفته اند و او را میکشیدند آنوقت حکومت میگوید سند بیاورید بنده که در اینجا عرض میکنم خیابانی در زمان حکومت ایشان کشته شده ...

محمد هاشم میرزا - مدعی باید سند بیاورد

سلیمان میرزا - ببخشید شاید بنده مثل سایر مطالب بخطا رفته ام البته حضرت والا بهتر میدانید در هر حال عقیده بنده این است که در زمان حکومت ایشان این قتل واقع شده و دولت وظیفه دار است بواسطه پلمس تأمینات در این مسئله تحقیق کند و معلوم کند وسائل قتل خیابانی چه بوده اگر چه امروز هم مثل اینکه زن خیابانی بچه هایش را مخفی کرد مردم هم خودشان را مخفی میکنند.

البته بنده با آقای مخبر السلطنه محکمه عدلیه نخواهم رفت معاکمه کنم بنده میگویم یک نفر آزادیخواه در این مملکت کشته شده و باید خون او از بین نرود ایشان حکومت داشته اند و دولت باید تحقیقات کند خود ایشان چندین شکل صحبت میفرمایند گاهی میگویند خودش انتحار کرده گاهی میگویند قزاق باوشلیک کرده گاهی میفرمایند رفقای او باعث قتلش شده اند و یا بالاخره میفرمایند والله اعلم البته خدا عالم است بنده هم میخواهم حکومت تحقیق کند و قدری هم بنده بدانم والله اعلم . العبد اعلم بشود این وظیفه دولت است و بنده نباید سند بمعکمه بدهم و با ایشان معاکمه کنم حکومت با دولت مسئول حفظ امنیت تمام رعایا اتباع خودشان هستند يك قتلی واقع شده و باید تحقیق کنند و ببینند باعث این قتل کی بود

رئیس - مذاکرات کافی است؟
اغلب گفتند کافی است
آقا سید محمد تقی طباطبائی - بنده چند کلمه عرضی داشتم.

رئیس - دوازده نفر قبل از جناب عالی اجازه خواسته اند آقایان مستشار السلطنه و آصف الملك پیشنهاد کرده اند این امر به انجمن تحقیقی رجوع شود و خطاب آقای مستشار السلطنه توضیح بدهید

مستشار السلطنه - بنده همانطور که معتقد بودم این مذاکرات در مجلس شورای ملی نشود خصوصاً با سابقه که آقای حاج مخبر السلطنه اظهار کردند و اغلب مطلع هستیم از نقطه نظر اینکه برائت و همه ایشان را معتقد هستیم و از نقطه نظر اینکه در این قضیه حتی المقدور اقدامات کرده اند و از اطراف هم طرفداران کشف قتل خیابانی که آیا بچه وسیله مقتول شده و مصاب هستند این است که بنده پیشنهاد کردم بکمیسیون تحقیقی رجوع شود تا تحقیق کرده نتیجه را به عرض مجلس شورای ملی رسانند و رائی که مجلس میدهد از روی يك معاکمه علمی و عمقی باشد

رئیس - آقای مدرس (اجازه نطق)

مدرس - گمان بنده این است که این سابقه نباید در مجلس تولید شود که بعدها هر کس چیزی گفت طرف برود ثابت کند در آتیه مملکت باید زندگی کند کسی که دعوی نفی می کند نباید برود ثابت کند کسی که دعوی اثبات می کند باید دعوی خود را ثابت کند کانه تصور می کنم مدعی نفی باید برود و مسئله نفی را ثابت کند.

رئیس - آقای آصف الملك توضیحی دارید؟

آصف الملك - عرض بنده را آقای مستشار السلطنه فرمودند چون موضوع خیلی مهم بود و يك اطلاعات کاملی در این خصوص به آقایان نرسیده است و حضرت والا قید به «اگر میبودند» و میفرمودند اگر اینطور باشند و بعضی ها اظهار میکنند این قضایا مربوط به آقای مخبر السلطنه نبوده و از طرفی متأسفانه واقعه قتل خیابانی هم واقع شد چون خود بنده اطلاعات کافی در این موضوع داشتم و در آن تاریخ در وزارت داخله بودم مقتضی میدانم يك کمیونی شود که سایر آقایان هم اطلاعات پیدا کنند و اگر موافقت و مخالفت میکنند بروی يك اساسی باشد

آقا سید محمد تقی طباطبائی - بنده تکذیب میکنم که خیابانی مایل بود آذربایجان مجزی شود
رئیس - باید رأی گرفت باین پیشنهاد آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد دو فقره - به پیشنهاد است یکی راجع به رأی علنی است و دیگر راجع به رأی مخفی ولی میدانید رأی مخفی بر رأی علنی مقدم است.

(جمعی گفتند صحیح است)
رئیس - آقایانی که رایورت کمیسیون را تصویب میکنند یعنی وکالت آقای حاج مخبر السلطنه را تصدیق می نمایند گلوله سفید و آقایانی که تصویب نمی کنند گلوله سیاه خواهند داد

اخذ آراء بعمل آمد آقایان نظام - الدوله و امیر ناصر مهره های رأی را تعداد نموده بترتیب ذیل نتیجه حاصل گردید
عده حضار (۷۲)

مهره سفید علامت قبول ۴۹

مهره سیاه علامت رد ۱۸

امتناع ۵

رئیس - از هفتاد و دو نفر نمایندگان حاضر با اکثریت ۴۹ رأی تصویب شد.

(اسامی تقاضا کنندگان رأی مخفی)

فهم الملك - آقا سید محمد تقی طباطبائی - حاج شیخ محمد حسن - ناظم العلماء - میرزا طاهر تنکابنی - آقا شیخ ابراهیم زنجانی - وقار الملك - امین التجار - ملک الشعراء - دکتر لقمان آقا میرزا هاشم آشتیانی - محمد هاشم میرزا - آقا سید محمد صادق طباطبائی - آقا میر سید حسن کاشانی - سید الملك سردار مقیم - حاج میرزا علی محمد دولت آبادی .

وزیر عدلیه - این لایحه قانونی شرایط خدمت و امتحان اعضای وزارت عدلیه است که تقدیم می شود و ضمناً دستورها از مجلس دارم یکی اینکه کمیسیون عدلیه را زودتر انتخاب بفرمایند زیرا کمیسیون کارهای زیاد خواهد داشت و لازم خواهد بود هر روز جلسه داشته باشد و یکی هم تفسیر اصل هفتاد و نهم قانون اساسی است که لایحه آن تقدیم مجلس شده است استدها دارم جزء دستور روز شنبه گذارده شود

رئیس - بودجه ستاد مجلس از اداره مباشرت رسیده بکمیسیون معاسبات ارسال می شود جلسه آتیه هیجدهم حمل پس فردا ۳ ساعت بطروب مانده و دستور آن اولاً تفسیر اصل هفتاد و نهم قانون اساسی ثانیاً رایورت کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات ثالثاً انتخاب کمیسیونها. آقای فهم الملك

(اجازه)

فهم الملك - بنده هم میخواستم استدها بکنم رایورت کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات جزء دستور شود معین فرمودند دیگر عرضی ندارم
(مجلس سه ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۸۷

صورت مجلس یوم شنبه
دهم شعبان ۱۳۴۰ مطابق
هجری ۱۳۰۱

مجلس دو ساعت قبل از غروب برپاست
آقای مدرس نایب رئیس تشکیل گردید
صورت مجلس یوم پنج شنبه ۱۶
حمل را آقای امیر ناصر قرائت نمودند
نایب رئیس - شاهزاده سلیمان
مهرا .

(اجازه)

سلیمان میرزا - قبل از اینکه در
جواب اشکال بنده در صورت مجلس آقای
نایب رئیس بفرمائید در صورت مجلس خلاصه
مذاکرات نوشته می شود عرض می کنم
البته بنده هم می دانم صورت مجلس صورت
خلاصه مذاکرات است و تمامی مذاکرات
را در صورت مشروح می نویسد ولی با
وجود این وقتی بدقت ملاحظه فرمائید می
بینید مذاکرات آقای مخبر السلطنه تقریباً
بطور تفصیل نوشته شده ولی جواب های
بنده تقریباً يك كلمه نوشته نشده است
اینجا است که بنده اشکال دارم بنده در
چهار قسمت بایشان ایراد کردم و باید آن
ایرادات بنده بطور فهرست نوشته شود
بنده اولاً ایشان را متهم بقتل مرحوم خیابانی
می دانستم

دوم ایشان را متهم بتوهین بجنازه
مرحوم خیابانی می دانستم

سوم اینکه ایشان را متهم دانستم
باینکه پس از آنکه قزاقها و قوای نظامی
شهر تبریز را گرفتند چند ساعت بعد که
جنگ تمام شد در تحت نظر آقای مخبر السلطنه
شهر غارت شد

چهارم اتهامی که من بایشان نسبت
دادم این بود که با وجود اینکه نظریات
خیابانی را قبل از اینکه بتبریز بروند در
تهران در عدم مرکزیت می دانستند و وقتی
رفتند نزدیکی تبریز بایشان گفته بودند
که من باتو هم مسلح در صورتی که عقاید
ایشان را می دانستند چگونه تصدیق کردند
و گفتند من با توهم مسلح این چهار اصل
اتهاماتی بود که بنده بایشان نسبت دادم
حالا در صورتی که صورت مشروح نطق را
در این صورت مجلس نمی نویسند باید لااقل
این چهار اصل را بطور فهرست بنویسد
چنانچه بیانات آقای مخبر السلطنه را هم
مفصل نوشته اند

نایب رئیس - آقای مخبر السلطنه
(اجازه)

مخبر السلطنه - مطابق رایورنی
که در تبریز بمن رسید و این جا هم عرض
کرده ام از خانه که خیابانی در آن مخفی
شده بود اول از آن خانه بطرف قشون شلیک
شده بود در صورت مجلس قید نشده است

نایب رئیس - اصلاح میشود

دیگر در صورت مجلس فرمایشی
نیست ؟

وزیر عدلیه - بنده هم يك اصلاحی
پیشنهاد می کنم و آن این است که در جلسه
گذشته بنده سه تقاضا کرده بودم دو تقاضای
بنده نوشته شده است و یکی نوشته نشده
است و آن این بود که تقاضا کرده بودم
چون کمیسیون عدلیه کار زیاد خواهد داشت
و همه روزه باید جلسه داشته باشد اعضاء
آن زود تر انتخاب شوند و این تقاضا در صورت
مجلس قید نشده است

نایب رئیس - این هم اصلاح می
شود آقای آقا سید حسن کاشانی
(اجازه)

آقای میرزا حسن کاشانی -
بنده درباره مأمورین خارجه شرحی اظهار
موافقت کرده بودم در این جا اسمی برده
نشده است

نایب رئیس - اصلاح میشود دیگر
ایرادى نیست

(اظهاری نشد)

نایب رئیس - صورت مجلس با
این چند فقره اصلاح تصویب شد دولايه
از طرف دولت رسیده است يكى لایحه
تقاضای ۵۰ تومان برقراری شهریه در حق
پرنس علاء السلطنه است يكى کمیسیون بودجه
فرستاده میشود
دیگر لایحه تقاضای بانصد تومان
مغارج مقدماتی و سهصد و سی تومان مغارج
ماهیهانه برای نقشه برداری جنگلهای سواحل
بهر خزر این هم يكى کمیسیون بودجه ارجاع
می شود

دستور امروز در تفسیر اصل ۷۹ قانون
اساسی است

وزیر عدلیه - يك لایحه دیگری
است راجع بتأسیس روز نامه رسمی که
بایستی بودجه برای آن بر قرار شود
تقدیم می شود که يكى کمیسیون بودجه
ارسال شود

نایب رئیس - کمیسیون هائیکه
باید انتخاب شود از این قرار است کمیسیون
عدلیه - کمیسیون نظام - کمیسیون
خارجه - کمیسیون معارف و اوقاف -
کمیسیون قوانین مالیه - کمیسیون پست
و تلگراف و فوائد عامه از شب هم
کمیسیون عرایض و مبتکرات باید
انتخاب شود

حائری زاده - اعضاء کمیسیونها
چند نفر است

نایب رئیس - بتفصیل نوشته
شده است - آقای کازرانی راجع بدستور
فرمایشی دارند
آقای میرزا علی کازرانی - خیر
عرض ندارم

نایب رئیس - آقای سلیمان میرزا

(اجازه)

سلیمان میرزا - راجع يكى کمیسیون
ها که فرمودند اگر ممکن است راجع
بمددش مذاکرات شود بنده يك تقاضائی
دارم .

نایب رئیس - عددش که سابقاً معلوم شده است
سلیمان میرزا - بنده می خواهم
يك چیزی اضافه شود کمیسیون معارف
بمناسبت اهمیت که دارد و نظامنامه هم اجازه
می دهد بنده تقاضا میکنم اعضاء آن ۱۲
نفر باشد

نایب رئیس - موکول بر رأی مجلس
است کمیسیون خارجه هفت نفر کمیسیون
عدلیه سابقاً هشت نفر بود بعد ۱۲ نفر شد
کمیسیون نظام شش نفر کمیسیون داخله
دوازده نفر - کمیسیون معارف و اوقاف و
کمیسیون مالیه قوانین ۱۲ نفر صنایع مستظرفه ۸
نفر کمیسیون پست و تلگراف فوائد عامه هشت
نفر کمیسیون عرایض و مبتکرات هریک
شش نفر پیشنهاد شاهزاده سلیمان میرزا
راجع يكى کمیسیون معارف است که دوازده
نفر انتخاب شود باید رأی به پیشنهاد ایشان
گرفت .

(جمعی اظهار داشتند لازم نیست
کسی که مخالف نیست)

نایب رئیس - مذاکرات در تفسیر
اصل هفتاد و نهم قانون اساسی است
آقای شیخ الاسلام اصفهانی
(اجازه)

شیخ الاسلام - قانون اساسی ما
مقدس است قانون اساسی ما نسبت بسایر
قوانین مملکتی مهمترین قوانین است بعقیده
بنده شهدای راه حریت ایران اساساً در
پیشگاه عدل خداوندی افتخار می کنند به
يك چنین خونبهای بعقیده بنده شرافتمند
ترین دوره های مجلس آن دوره است که
مفاد اصل قانون اساسی کاملاً هنگام وضع
قوانین در نظر گرفته شود بعقیده بنده
سمادتمن ترین دولت ها دولتی است که مدلول
قانون اساسی را بواقع اجرا بگذارند اینک
عرض می کنم قانون اساسی مقصود هم
قانون اساسی است که مشتمل بر ۵۱ اصل
و هم متمم قانون اساسی که مشتمل بر ۱۰۷
اصل است و در رعایت این ۱۵۸ اصل قانون
اساسی و متمم آن بعقیده بنده سهل انگاری
می شود و در لایحه قانونی وزارت جلیله
عدلیه مورخه ۱۶ دلو نسبت به چند اصل از
اصول قانون اساسی و متمم قانون اساسی
سهل انگاری شده مثل اصل ۱۳ و ۱۵ و ۱۶ و
۱۷ و ۲۱ و ۳۳ و ۳۸ از قانون اساسی و
اصل ۲۷ از متمم آن که اصول فوق الذکر
صریحاً دلالت می کند برای اینکه وضع
قانون باید در مجلس شورای ملی بشود و
همچنین در مورد تفسیر فقره چهارم ماده
۱۴۷ از مواد راجع به عدلیه که در مجلس
شورای ملی تفسیر شده باینکه قانونیت نداشت
و حال آنکه مطابق اصل ۲۷ قانون اساسی
شرح و تفسیر قوانین از وظایف مختصه مجلس

است و همچنین در لایحه هشتم حمل راجع
بهما که خالصجات انتقالی نسبت باصل ۲۷
واصل ۷۱ و اصل ۵۷ متمم قانون اساسی
سهل انگاری شده است

چه این اصل صریح است که بما که
حرفیات در عدلیه و بما که شریکات در معاضر
شرع باید انجام بگیرد در این لایحه کنونی
هم بعقیده بنده دارد اصل ۷۲ متمم قانون
اساسی را جریحه دار می نماید گذشته از
این بنده جمله های این لایحه قانونی را
درست نمی فهمم

مثلاً نوشته شده است اصل ۷۹ متمم
قانون اساسی حاکی است که در موارد
تقصیرات سیاسیه و مطبوعات هیئت منصفین
در معاکم حاضر خواهند بود اگر چه باتوجه
یملت حضور هیئت منصفه در محکمه اصل
مزبور روشن و محتاج بتفسیر نیست زیرا
فقط در مواردی که جرم از نقطه نظر نظام و
حقوق عمومی دارای حیثیت عمومی بوده
و قطع نظر از مدعی خصوصی مدعی العموم
عهده دار اقامه دعوی و تعقیب می باشد ممکن
است دولت راجع به محکومیت مجرمین و عدم
محکومیت و یا شدت وضع مجازات آنها
دارای نظری باشد و از این حیث ضمانتهای
بیشتری برای استقلال رأی و بیطرفی محکمه
لازم آمد ولی در جرائمی که بیشتر دارای
حیثیت خصوصی بوده و تعقیب آنها از طرف
مدعی العموم مشروطه باقامه دعوی از طرف
مدعی خصوصی است احتمال اعمال نفوذ قوه
اجرائیه در قوه قضائیه مستبعد است در این
عبارت رعایت نزاکت شده است ولی روح
مطلب این است که تمام دولت ها ظالم
نیستند و مستعدی هستند و تعریک در
محکومیت اختصاص بی تقصیر میکنند و يك
چنین تصدیقی در مورد دولتی که طرف
اطمینان کامل مجلس است خیلی بعید و
مستبعد است و بعقیده بنده در بیان فلسفه این
مطلب اشتباه شده است

البته مدعی و مدعی علیه نباید نسبت
بیکدیگر قضاوت کنند ولی نه باینکه در
این لایحه ذکر شده است که شاید حکمگذاری
بشود بلکه بواسطه اینکه قضاوت مدعی
و مدعی علیه هر قدر عالی قدر و عالی مقام باشند
نسبت بیکدیگر عموماً صحیح نیست و همین
فلسفه بود که اول شخص عالم امکان علی
علیه السلام را در موردی که یک نفر ملت یهود
مدعی آن حضرت بود در محضر شرع قاضی
حاضر نمود و حال آنکه دوست و دشمن
ساحت آن حضرت بود در محضر شرع قاضی
حاضر نمود و حال آنکه دوست و دشمن ساحت
آن حضرت را مقدس تر از این میدانستند که
در حق مدعی خود اعمال غرض فرماید این
نظریه بنده بود در روی یک قسمت لایحه که
خواندم قسمت دیگر لایحه که نوشته است
آقایان همه هم فرمایند خوب است
اگر فرمایشی دارند بعد اینجا تشریف بیاورند
و بفرمایند

آقای سید فاضل - مقصود حضرت تعالی

را بنده نفهمیدم

شیخ الاسلام - مقصود بنده اینست که عبارت این لایحه اینطور میفهماند که قوه اجرائیه نفوذ نکند سر قوه قضائیه و اعمال فرض نکند بطوریکه نوشته اند ولی مفادش این است که قوه اجرائیه ظلم و تعدی می کند و بر علیه مظلومین تعریک می کنند و حال آنکه این فلسفه قانون نیست فلسفه اش اینست که مدعی و مدعی علیه نمی توانند در حق یکدیگر قضاوت کنند و عقلا این مطلب قلیج است و هر اقلی یا بگوید یا بنویسد فلان مدعی یا مدعی علیه در حق یکدیگر قضاوت بکنند بنده آنرا تصحیح می کنم اخلاقاً ما هر قدر بیشتر حیثیات مجلس را در نظر داشته باشیم اقدام خود و مجلس و مملکت را بیشتر در نظر داشته ایم بهر حال در قسمت دیگر لایحه می نویسد با احتراز این اصل در زمینه تقصیرات سیاسی کاملاً مورد پیدا می نماید آن قسمت از اصل هفتاد و نهم که راجع به مطبوعات است قدری بنظر مبهم آمده و ظاهر عبارت محتاج به تفسیر است که آیا مقصود مقنن این است که در مورد محاکمه کلبه تقصیرات مطبوعات باید هیئت منصفین حاضر باشند با حضور هیئت منصفین فقط در موارد تقصیرات سیاسی مطبوعات یعنی تقصیراتی که دارای حیثیت عمومی است لازم می باشد اگر شوراول را تصور نمایم عملاً دچار نتیجه های غیر منطقی خواهیم شد مثلاً اگر شخصی هتک شرف کسی را شفاهاً و یا کتباً نموده و یا کسی را مورد تهمت قرار داده باشد مدعی خصوصی میتواند آن شخص را در محاکمه عادی بدون حضور هیئت منصفه تعقیب نماید ولی اگر همان هتک شرف یا تهمت در یک روزنامه طبع و منتشر شده باشد موافق این نظر محاکمه آن منوط بحضور هیئت منصفین می شود و حال آنکه هیچ دلیل قطعی ندارد مسلماً مقنن این نظر را نداشته و مقصود از اصل ۷۹ قانون اساسی که حضور هیئت منصفین را در محاکمه عدلیه قید کرده راجع به تقصیرات سیاسی مطبوعات بوده است زیرا که این تقصیرات بیشتر دارای حیثیت عمومی است در این عبارت قائل شده اند به تساوی فیما بین یک مطلب که کتباً یا شفاهاً بکنفر بی طرف گفته یا نوشته شده باشد و مطلبی که بکنفر مدیر روزنامه در روزنامه نوشته باشد و حال آنکه چنین نیست بکنفر مدیر روزنامه نباید در نظر ما اینقدر کوچک باشد که آن را با بکنفر مجهول الحال مقایسه نمایم روزنامه رکن رکن تمدن است روزنامه سد فولادین است در مقابل متجاوزین بحقوق بشریت روزنامه ناشر حقایق است روزنامه منور افکار و هادی و راهنمای

عموم است و هزار مزایای دیگر دارد خوب آقایان میفرمایند دولت یا مجلس شورای ملی یا یک اداره اجتماعی نمی تواند با بکنفر روزنامه نویسنده طرف شود و او را محکوم نماید چرا که روزنامه نویسنده است زبردست است نمی توان او را محکوم کرد آنوقت در یک مورد قلم را بر علیه بکنفر معطوف نماید بکنفر بهر حسب فلسفه که در اول این لایحه ذکر شده است او را شدیداً تحت فشار مضيقه در آورند و محکوم نمایند با اینحال چگونه می شود گفت فرقی مابین روزنامه نویسنده و بکنفر مجهول الحال نیست این هیچ عنوان ندارد بنده با تمام نظریات آقایان ارباب جرأت همراه نیستم تنفیذ عم از بنده میفرمایند بفرمایند گاهی تند رویهای بی موقع هم می کنند که بعقیده بنده مضر بحال مملکت است گاهی بکنفر ظالم آنقدر حمله میکنند که او را در افکار و انظار عمومی مظلوم جلوه میدهد و حال آنکه در طی تجربیات تلخ ناگوار بر ما ثابت شده که مظلومیت بکنفر ظالم برای این مملکت چقدر مضر است مثلاً حمله های متوالیه این چند روز به عقیده بنده برای حیثیات خود آنها و حیثیت دولت مضر بود اما اینها دلیل نمیشود که ما بکنفر نباید بن بکنفر مدیر روزنامه و بکنفر مجهول الحال فرق گذارد و این هیچ فلسفه و منطق ندارد مثلاً نمی شود گفت فرقی نیست بین یک مطلبی که در یک روزنامه نوشته شده است و یک مطلبی که در یک ورق باره نوشته است هیچ دلیل و منطقی ندارد اما اصل مطلب در اینجا مرقوم شده است نظر باینکه وزارت عدلیه تقدیم لایحه قانونی راجع به محاکمه را با حضور هیئت منصفین در نظر دارد قبل از تفسیر اصل هفتاد و نهم را لازم شمرده و معتقد است که باید اصل مزبور بدین طریق تفسیر شود و در موارد تقصیرات سیاسی که مطابق قانون معین میشود تقصیرات مطبوعات که مخالف نظم و حقوق عمومی و اصول مستقره مطابق قانون اساسی بوده و بدین واسطه دارای حیثیت عمومی است هیئت منصفین در محاکمه حاضر خواهند بود این عبارت يك که ما هیچ در پیچ است که خلاصه در روح آن این جمله میشود که عبارت اصل هفتاد و نهم متمم قانون اساسی اینطور تفسیر می شود در موقع تقصیرات سیاسی و تقصیرات سیاسی مطبوعات هیئت منصفه در محاکمه حاضر خواهند شد آیا يك چنین تکراری شایسته قانون اساسی است آیا این تفسیر است یا حذف است در متمم قانون اساسی نوشته شده است در موارد تقصیرات سیاسی و مطبوعات دیگر نوشته است تقصیرات سیاسی بکنفر بنده نظر با يك مدیر روزنامه یا مدیر روزید باین تفسیر می توان گفت در مورد تقصیرات سیاسی یعنی کلبه تقصیرات سیاسی ولی در این لایحه

که می نویسد در موارد تقصیرات سیاسی که مطابق قانون معین میشود و تقصیرات مطبوعات یعنی تقصیرات سیاسی مطبوعات در این جمله بحث ظاهر کلمه سیاسی تکرار شده است ولی بحث باطن يك جمله از متمم قانون اساسی حذف شده است بهر جهت این لایحه از حیث مقدمات و نتیجه بنظر بنده صحیح نیست ولی این لایحه اصل ۷۹ متمم قانون اساسی را جریحه دار خواهد کرد به چورت نباید از حد اعتدال خارج شد اگر ۱۷ سال است مامور فوق نشده ایم باینکه قانون هیئت منصفه را تدوین کنیم و بعضی خاطرها از جرایم درستی دارد دلیل نمیشود که حالا با لایحه اصل ۷۹ متمم قانون اساسی را پامال کنیم

پایه قانون هیئت منصفه برای تقصیرات سیاسی و مطبوعات کلبه تدارک نمود ولی نه مثل این قانون که در برج قوس تقدیم مجلس شده است که بنده خدمت آقای ذکا عالمك عرض کردم این قانون بسیار خراب است ولی برای پایتخت هائی ممالك بزرگ ما باید يك قانون هیئت منصفه تدارک کنیم مناسب حال ایران و ایرانی

نایب رئیس - آقای زنجانی

(اجازه)

آقای شیخ ابراهیم زنجانی - بنده هم مخالفم

نایب رئیس - آقای ملك الشعراء موافقت

ملك الشعراء - خیر بنده هم مخالفم

نایب رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (حاضر نبودند)

وزیر عدلیه آقایان بدقت فرمایشات نماینده محترم را گوش دادم برای اینکه ابراهیمانی که نسبت به لایحه میفرمایند بدقت رد کنم بعد هم مدتی تأمل کردم که از فرمایشات آقایان دیگر هم استفاده کنم و دلائلی که در لایحه ذکر نشده است بکنفر عرض کنم ولی چون مطابق ترتیب نظام نامه داخلی آقایان بایستی بنتریب مخالف و موافق صحبت بکنند و آقایانی که اجازه خواسته بودند مخالف بودند و نمی توانستند پس از بیانات مخالف اولی اظهاری بکنند بنده برای اینکه راه را باز کردیم با هم آقایان بتوانند فرمایشات خودشان را بفرمایند آمده اینجا که يك مختصر عرضی کنم

موضوع دستور امروز گرچه تفسیر اصل ۷۹ متمم قانون اساسی است ولی گویا يك شبهه شده است که هر وقت راجع به عدلیه صحبت شود آقای نماینده محترم تمام معاصیل صغیره و کبیره را که از اول تا بحال شده تکرار فرمایند ایشان فرمودند این پیشنهادی که من کردم و با منشای آقای رئیس الوزراء و من رسیده تقدیم مجلس شده است می خواهم اصل ۷۹ متمم قانون اساسی را بکنند و آن را پامال کرده

و از بین ببرد بسیار خوب این يك ادعائی است بنده هم در مقابل ادعا می کنم بکنفر این لایحه اصل ۷۹ را زنده می کند چرا برای اینکه مردن و زنده شدن اصل ۷۹ منوط با اجرا شدن و اجرا شدن آن است کایتاً هر قانونی اجرا شود زنده است و اگر اجرا نشود معو است و بنده کسی هستم که می خواهم اصل ۷۹ متمم قانون اساسی را اجرا و زنده کنم بقدریکه بنده از نماینده محترم استنباط کردم ایشان سه ایراد داشته يك ایران ایشان در مقدمه بود که فرمودند بنده نوشته ام ممکن است قوه اجرائیه در قوه قضائیه اعمال نفوذی کند و باین جهت مرا مورد اعتراض قرار دادند که چرا نسبت به دولتی که معمل اطمینان و اعتماد اکثریت مجلس شورای ملی است این جسارت و بی ادبی از من نائل شده است این ایراد اول نماینده محترم بود در جواب ایشان عرض می کنم که مقصود بنده دولت حاضر امروزه نبوده که بدولتی که طرف اعتماد اکثریت است برخورد بلکه نظرم بخصوص ایرانی هم نبود مقصودم این بود که بطور مطلق در تمام دنیا هیئت دولت ممکن است در مواردی که خودش طرف است در قوه قضائیه اعمال نفوذ کند و گمان نمی کنم گفتن این مطلب هم اشکال و ایرادی داشته باشد که کسی ایراد کند چرا در مقدمه يك لایحه توهین شده است بدولتی که طرف اعتماد مجلس بوده است در صورتیکه من نظرم بیک دولت خاصی نبود مطلقاً هر دولت و هر قوه مجریه و هر کس و هر چه باشد درباره مواقع وقتی که خودش طرف است ممکن است اعمال نفوذ بکنند بنا بر این جامعه و سائلی برای جلوگیری از این مسئله ایجاد کرده است که یکی از آنها با هیئت منصفه است بنده هم همین عرس را کردم و چیز دیگری عرض نمودم فعلاً باینقدر اکتفا می کنم و بعد ممکن است در جواب ناطقین محترم دیگر (که اظهار عقیده خواهند فرمود) مقنن تر عرض کنم ایراد دیگری فرمودند که من گفته ام اگر کسی توهین و هتک شرف از کسی بکنند این توهین و هتک شرف کتبی یا شفاهاً باشد بمحاکمه عادی رجوع می شود در صورتی بکنفر مطابق قانون اساسی اگر این توهین و هتک شرف از طرف مطبوعات باشد باید بحضور هیئت منصفه محاکمه شوند آقایان فرمودند که چرا بنده چنین چیزی را نفهم و آنوقت در ستایش مطبوعات شرحی فرمودند که روزنامه رکن رکن است صد صدید است و بالاخره فرمودند فرق است بین يك نفر روزنامه نویس و بکنفر مجهول الهویه من کی گفتم بین روزنامه نویس و بکنفر روزنامه نویس و مجهول الهویه فرقی نیست

موضوع صحبت ما روزنامه نویس نبودن هیچ نخواستیم حدود يك روزنامه نویس را محدود كنم اين مسئله را بايد قدری توضيح داد تقصير مطبوعات منحصر بر روزنامه نویس نیست كتاب و مجله و روزنامه جزو مطبوعات است و مقصود ما اين نبود كه فقط مديران جرائد بچه نحو محاکمه شوند يا بكنفر مجهول الهويه كه تقصير کرده در مقام محكمه محاکمه شود غير بنده عرض می كنم كليۀ افراد ایرانی همين مديران جرائد كه جناب مستطاب عالی مدافع آنها هستید و ساير افراد ایرانی تمام محترم هستند و همه حقوق مساوی دارند البته روزنامه نویس درجای خودش محترم است رهبت بدبخت هم كه زمین شخم می كند و حرف خود را هم نمی تواند بزند آنهم محترم است افراد ایرانی هیچكدام مجهول الهويه نیستند و تبعيض هم نمی كنم

شيخ الاسلام -- پس هيئت منصفه برای چیست

وزير عدليه -- حالاً عرض میکنم فرضاً بكنفر اهم از مدير روزنامه يا غير مدير ميرود در ميدان توپخانه و در حضور يك عده علنی فحش می دهد چندين نفر هم شايد هستند يا اينكه كتباً بكنفر می نويسد كه فلان و فلان هستی مثلاً خدای نخواستۀ حضرت تعالی (خطاب به آقای شيخ الاسلام اصفهانی) كه بكنفر نماينده محترم هستند در ميدان توپخانه تشریف می برید بكنفر تبه بكنفر ديوانه پريد بشما و هزار نسبت بشما داد چه خواهيد فرمود چاره نداريد جز اينكه بهما كم عادي رجوع فرمائيد و همين طور اگر روزنامه نهمتي نسبت بشما درج كرد بر طبق کدام منطق می توان گفت بايد برود بمحكمه كه هيئت منصفه در آن هست آخر هر اصلی در دنيا يك منطقی دارد بنده دوباره تكرر میكنم علت اينكه هيئت منصفه در دنيا پيدا شده چیست ؟ دولت دارد يکی حسن نظارت و لزوم نظارت جامعه است در عمليات قوه مجريه و ديگری تقليل مجازات يعنی حسن ترحم جامعه است و الا هيئت منصفه هيچ منطق ديگری ندارد .

هيئت منصفه را در كجا و برای چه معين می كنند برای اين كه ممكن است در تحت نفوذ قوه مجريه واقع شود برای اينكه قاضی قضاوتش در تقصيرات منحصر از نقطه نظر قانون است و ممكن است قاضی در قانون جامد باشد ممكن است قاضی خارج از حوزه محكمه خودش جانی را بنده باشد .

ولی بواسطه جريانهای عمومی سياست كه در مملكت پيدای شود ممكن است جامعه

يك تقصيری را يا تقصير نداند يا تقليل مجازات مقصود را قائل باشد خوب وقتی كه جامعه می خواهد اين نظر را تأمین كند يعنی ما از مجازات بكنفر مقصر جلوگیری كند يا بخواهد مجازات بكنفر را تقليل كند بچه وسيله اين كار را می كند بتوسط هيئت منصفه .

در محكمه حاضر و حاضر است كه محكمه بوظيفه خود عمل نمايد يعنی يك نفر مقصر را محاکمه كند پس از اتمام محاکمه هيئت منصفه يا تصديق بتقصير آن شخص می كند يا می گويد خير من اين شخص را مقصر نمی دانم اگر تصديق كرد بتقصير آن شخص آنوقت آن شخص بر طبق تقصيرش موافق قانون مجازات می شود و اگر گفت خير من فلان مقصرا مقصر نمی دانم ديگر هيچ دليل هم نمی خواهد و هيچ كس دليل از هيئت منصفه نخواهد بجز اين اظهار هيئت منصفه بايد تمام درجای مجلس باز و تمام زنجيرها پاره شود و تمام آزارها و زاندارها می كار خود بروند و آن شخص مقصر بری الذمه و آزاد شود .

اين است وظيفه هيئت منصفه حالا اين وظيفه را بايد در مواقع خصوصی يعنی در دعوایي هم كه دارای حيثيت خصوصی است برای هيئت منصفه فرض كرد يعنی وقتی بنده و جناب عالی در روزنامه بكنفر بنويسيم .

من طرف ادعای خصوصی باشم و شما مدعی خصوصی من باشيد آيا هيچ علتی دارد كه قوه مجريه در محاکمه ما اعمال نفوذ كند .

من و شما در محاکم عادی اقامه دعوی می كنم هر کدام محكوم شدیم مجازات می شويم .

اين است كه بايد فرق گذاشت بين تقصيراتی كه دارای حيثيت عمومی هستند يعنی تقصيری كه طرف آن دولت و جامعه هستند و تقصيرات خصوصی يعنی تقصيراتی كه دارای حيثيت عمومی نیستند البته در حق اول نظارت جامعه لازم است و ممكن است بنظر جامعه مجازات شخص مقصر قابل تقليل باشد .

البته در اين مورد از طرف جامعه بهيئت منصفه رجوع می شود ولی در دعوی خصوصی اعم از اينكه از طرف يك مدير روزنامه يا بقول آقا بكنفر مجهول الهويه باشد .

من گمان می كنم حضور هيئت منصفه لازم باشد و تصور هم می كنم با روح قانون اساسی و مقصود مقنن مطابقت نكند

نایب رئيس -- آقای زنجانی .

(اجازه)

آقا شيخ ابراهيم زنجانی --

بنده اگر تمام فرمايشات آقای وزير را هم قبول كنم هيچ دليل نميشود بر تقصير اصل ۷۹ متمم قانون اساسی و گمان می كنم اين ماده قانون هيچ تقصير لازم نداشته باشد حالا من يك نظری دارم كه قانون گذار آنرا مراعات نكرده بآن كار ندارم ولی اين قانونی كه نوشته شده است بينيم آيا چيز مبهمی دارد كه آنرا تفسير كنيم مثلاً اين كه می نويسد در موارد تقصيرات سياسيه و مطبوعات هيئت منصفين حاضر خواهد بود لفظ تقصيرات مبهم است لفظ سياسيه يا مطبوعات مبهم است ؟ بالبداهه گاهی تقصيرات سياسی است و راجع بمطبوعات نیست و گاهی تقصيرات راجع بمطبوعات است و سياسی نیست بدیهی است اگر تنها تقصيرات سياسيه افراد و مطبوعات بود اين جا لفظ مطبوعات لغو و زائد بود ولی اين محكمه می نويسد در موارد تقصيرات سياسيه شامل می شود بتقصيرات تمام افراد و تقصيرات سياسيه مطبوعات هر دو می شود و تقصيرات مطبوعات عليه است و اين تفسير ميخواهند می گویند كه در مورد تقصيرات سياسی مطبوعات هيئت منصفه حاضر باشد در صورتی كه ماده ۷۹ قانون اساسی تفسيرش اين نیست مي نويسد در موارد تقصيرات سياسيه و مطبوعات هيئت منصفين حاضر خواهند بود يعنی چه مطبوعات وجه غير مطبوعات وقتی كه تقصير سياسی ككردند بایستی هيئت منصفه در محاکمه آنها حاضر باشند اين است تفسير اين اصل و غير از اين هم نمی شود تفسير كرد و البته کسی كه قانون وضع می كند علت آنرا هم خواهد گفت كه برای چه وضع کرده است و اين ماده قانون هم صريح است و لازم بتفسير نیست و مجلس شورای ملی هم قانون اساسی را حق ندارد به اسم تفسير تغيير بدهد علاوه بر آن من از اين تفسير مبترسم و در اين جا مثلی مي زنم شخصی مادرش پير و ناخوش بود گريه مي كرد يکی از او پرسيد چرا گريه ميكنی گفت مادرم ناخوش است ميترسم بميرد آن شخص در جوابش گفت پير و مريض است بميرد راحت ميشود گفت صحيح است ولی می ترسم عزرائيل خانه ما را بشناسد حالا من هم می ترسم قانون اساسی را هر روز باسم تفسير يك تغييرانی بدهند مثلاً ممكن است بنده هم اين اصل را محكمه ميگويد هيچ يك از افراد ایرانی را نمیتوانند توقيف كنند مگر در موارد يكه قانون معين ميكند اينطور تفسير كنيم هيچ يك از افراد ایرانی را نمیتواند توقيف كنند مگر بچه ها را بچه دليل بدليل اينكه جوانها بايد بروند گردش بكنند و حكمی هم برای تفسير خودم قائل ميشوم و ميگويم چون بچه ها نمیتوانند كار كنند و اغلب در خانه هستند و توقيف و آزادی آنها چندان فرقی ندارد

پس حبس باشند ولی جوانها چون كار می كنند و هوا و هوس دارند نميشود توقيف كرد اين تفسير را کی ميگويد بد است حكمت و فلسفه اينكه مطبوعات را در مقابل تقصيرات سياسيه فرار داده اند برای اين است كه مطبوعات اولاً يك امر عمومی است و تمام افراد در آن شركت دارند و همه در مطبوعات حق دارند و همه پول ميدهند و همه ميخوانند و مثل ساير مطالب سياسی است علاوه بعضی خيال می كنند اين تفسير تنها بر عليه مطبوعات است خير شايد بر له مطبوعات است هيئت منصفه را قرار داده اند برای اينكه شايد اعضاء محكمه بنظر خودشان از خارج اعمال نفوذی در باره آنها بشود هيئت منصفه جريان محكمه را از اول تا آخر بينند آنوقت بگويد اين مقصر است يا نیست بده محكمه حكم كند در قانون اساسی مي نويسد كه در موارد تقصيرات سياسيه مطبوعات هيئت منصفين در محاکم حاضر خواهند بود در اين صورت ما چه طور ميتوانيم صريح قانون اساسی را ملغی كنيم علاوه بر اين بنده يك دليل واضع ميگويم اين قانون در مجلس اول وضع شد و تا بحال سه مجلس گذشته و دوازده سال است از عمر اين قانون ميگذرد هزار دفعه مطبوعات مورد طعن و لعن واقع شده اند چگونه تا امروز کسی نگفته است تقصيرات مطبوعات كه دارای جنبه سياسی است بايد هيئت منصفه باشد و اگر دارای جنبه شخصی باشد هيئت منصفه لازم نیست تا با امروز هيچ كس مطبوعات را رد نكرده است برای اينكه اين مطلب مسلم بود كه در محاکمه مطبوعات هيئت منصفه لازم است و تقصيرات سياسی هم هيئت منصفه لازم دارد حالا چگونه ممكن است اينطور تفسير شود و اگر اينطور تفسير كنيم كلمه مطبوعات را حذف كرده ايم والا اين اصل شامل تقصيرات سياسی و كليۀ تقصيرات سياسيه مطبوعات و غير سياسيه مطبوعات هم خواهد شد ممكن است تقصيری تقصير مطبوعاتی باشد و تقصير سياسی نباشد يا تقصير سياسی باشد مطبوعاتی نباشد يا هم سياسی باشد هم مطبوعاتی باشد آنوقت چه طور ما می توانيم چنين تفسيری بكنيم و راه باز كنيم كه هر روز يك تفسيری بكنيم و با اين ترتيب اول قانون اساسی را تغيير بدهيم و حذف كنيم پس عقيده بنده اين است كه آقای وزير عدليه اين قانون را پس بگيرند اگر می خواهند مطبوعات را محاکمه كند بكنند بدهد هيئت منصفه را تشكيل بدهند و نبايد مطبوعات را هم اينقدر مورد حمله قرار داد برای اينكه فقط در چند سال يكمرتبه مطبوعات آزاد ميشوند و تنقيد می كنند عمليات بدی كه در زمان قزاق واقع شده و گاهی هم از حدود خود خارج شده فحش می دهند در آنوقت

باید محاکمه شوند اینک جلوه تنقیدات آنها را بگرییم و نگذاریم تقصیرات اشخاص مقصود را بگویند باید گذاشت افلا از امر بمعروف و نهی از منکر اینقدرش بشود نه اینکه این راهم از بین برداریم و نباید قانون را طوری تفسیر کنیم که هر وقت روزنامه نویس حرفی زد بگوئیم این تقصیر شخصی بوده باید برود بمحاکمه عادی و بکلی او را خفه کرد لذا بنده این را صریح نمیدانم و آقای وزیر هم یقیناً باینده موافقت خواهند فرمود.

محمد هاشم میرزا - اجازه می فرمائید.

نایب رئیس - (خطاب بشاهزاده محمد هاشم) شما خبر کمیسیون هستید لازم به اجازه نیست.

محمد هاشم میرزا - چون نمی دانستم بعد از آنکه کمیسیون منحل شده است مخبرش حق دارد یا خیر

نایب رئیس - هنوز منحل نشده است.

مخبر - اما اینکه آقای زنجانی می فرمایند دوازده یا چهارده سال از روی این قانون گذشته و در این موضوع هیچ صحبت نشده جواباً عرض میکنم از اول که قوانین را می نوشتند متذکر بودند که فلان ماده تغییر لازم دارد که بعد محتاج به تفسیر باشد و البته هر وقت ملتفت شوند که این ماده قابل اجرا نیست حق دارند اصلاحش را از مجلس بخواهند و ممکن است ۱۵ سال بیست سال یا سی سال از روی قانون بگذرد و مطرح شود.

اما اینکه فرمودند مندرجات جرائد از راه امر بمعروف و نهی از منکر است خیلی تعجب می کنم معلوم می شود هیچ روزنامه ها را نتوانند انداغلب مطالبی در آن مندرج است که بهیچوجه شرعی نیست مثلاً اعلان قمار میکنند اعلان تأثر میکنند که هیچ جایز نیست آیا اینها امر بمعروف و نهی از منکر است اگرچه هم جنبه های خوب دارد و هم جنبه های بد و البته جنبه های خوبش قابل تقدیس است رهنمای افکار است همانطور که آقای شیخ الاسلام فرمودند رکن رکن است ولی آنهایی که از حدود و عدالت تجاوز می کنند و بمداوت شخصی چیز می نویسند البته آنها بد است و همانقدر که آنها قابل تقدیس است اینها قابل تنقید است اما اینکه می فرمایند هر کس اجازه روزنامه گرفت آنوقت هر چه بگوید و هر چه بکند محاکمه او با شخص عادی فرق نمی کند البته این مطلب هیچ منطق ندارد و علت اینکه هیئت منصفه در قانون اساسی پیش بینی شده است برای این است که حق نظارت ملت در امور مهمه سیاسی مملکت مراعات شود اما اگر يك شخص عادی در روزنامه بکسی فحش بدهد مقدس میشود

نمی دانم این تقدیس از کجا است و اینکه يك کسی که در خانه اش نشسته همیشه در روزنامه نویس شده باید از اشخاص عادی تجاوز بکند و هر چه بخواهد فحش بدهد و مردم معطل باشند تا هیئت منصفی تشکیل داده شود نمی دانم دلیلش چیست و اینکه می فرمایند در قانون اساسی که نوشته شده است تقصیرات سیاسی و مطبوعات اگر ما این تفسیر را بکنیم قسمت مطبوعات حذف می شود غیر حذف نخواهد شد مگر در این تفسیری که حالا می کنیم می گوئیم مطبوعات محاکمه نداشته باشد خیر ما می گوئیم محاکمه بشوند مجازات هم بشوند منتها در محاکمه عادی ولی اگر مطبوعات جنبه سیاسی داشته باشد و در آن موقع برای اینکه دولت اعمال نفوذی نکند از طرف هیئت اجتماع نظاری بعنوان هیئت منصفه در محاکمه باشند که هم مقصود تأمین شده باشد و هم قابل اجرا باشد و اینکه فرمودند در این هفده سال کدام وقت اتفاق افتاد که بمشکلاتی برخورد کرده باشد جواباً عرض می کنم در این مدت در هر محاکمه که رفتند همین اشکال را کردند و گفتند محاکمه صلاحیت رسیدگی ندارد و هر کس هم خواست اعمال خودش را بیوشاند امتیاز يك روزنامه گرفت و در سایه آزادی مطبوعات شروع کرد بعمله کردن و مردم را بهم انداختن پس باید يك فکری هم بکنیم که اگر در این مملکت کسی مظلوم باشد بتوان احقاق حق او را کرد خیال میکنند بهیئت منصفه هر مطلب جزئی رجوع بشود باین زودی ختم خواهد شد و اینطور نیست بقدری مواجه با اشکال خواهد شد و بمشکلات برخورد خواهد کرد که حد ندارد خصوص هیئت منصفه که پیش بینی کرده بودند و قانونش را چندی قبل آورده بودند و یقیناً قانونی را هم که بعد می آورند همانطور خواهد بود که این کارهای جزئی ابداً باین زودی صورت نخواهد گرفت و اما اینکه می فرمائید ما حق نداریم قانون اساسی را تفسیر بکنیم بنده عرض میکنم چرا حق نداریم تفسیر قانون اساسی با ما است و ما حق تفسیر آن را داریم و هیچکس این حق را از ما سلب نکرده.

رئیس - آقای ملک الشعراء (اجازه)

ملک الشعراء - مخالفت بنده با این لایحه پیشنهادی آقای وزیر عدلیه بآن درجه که آقای زنجانی اظهار فرمودند نیست یعنی بنده اساساً با روح این پیشنهاد و آن فلسفه که موجد این پیشنهاد شده است و مجلس و دولت را وادار کرده است باینکه معتقد بیک تغییر و تفسیری در اصل هفتاد و نهم قانون اساسی بشوند موافق ولی با طرز این پیشنهاد مخالفم و این پیشنهاد را چنانکه گفته شد قاتل اصل هفتاد و نه قانون اساسی می دانم

زیرا باندازه قضیه را باین کشیده و باندازه دامنه فلسفه لزوم هیئت منصفه را کوتاه کرده اند که احتمال دارد اصل هفتاد و نه از میان برود خاصه با اطلاعی که من راجع بقانونی که برای هیئت منصفه پیشنهاد کرده اند دارم در آنجا باندازه امر را محدود کرده اند که هیچ نمی شود اسم هیئت منصفه را بآنها اطلاق کرد در موضوع جرایم اینها خیلی صحبت شد و البته برای اینکه بتوانیم قضیه را کاملاً حل بکنیم در اطراف هیئت منصفه و لزوم او مذاکره کنیم باید اساساً راجع به خود جرائد صحبت کنیم اولاً باید تصدیق بکنیم که اگر جرایم ما يك صورت رضایت بخشی ندارند تقصیر جرایم و مدیران جرایم و دولت که بآنها امتیاز داده است نیست تقصیر مملکت و معبط است تقصیر دولت های مستبدی است که صد ها سال است در این مملکت بودند و ملت را بطرف اصلاحات سوق ندادند و ملت را بشکلی بار آوردند که می بینید البته تقصیر ملت هم نیست چنانچه می گویند هر ملتی مستحق همان کسی است و همان چیزی است که دارد و همچنین مستحق همان روزنامه هائی است که دارد پس جرایم ما متناسب با معبط ما است جرایم ما متناسب با سیاست مملکت ما است و بالاخره جرایم ما متناسب با بازار و سوسپنه و احزاب ما است بلکه می توانم بگویم روزنامه های ما تا حدی هم جلورفته اند از محیط و تجاوز کرده اند و تا حدی بطرف فوق محیط رفته اند معذالک چون موضوع موضوع مهمی است و اصل هفتاد و نهم قانون اساسی تنها نمونه آزادی مطبوعات است و مطبوعات در اخلاق عمومی موثر است و ملت بمطبوعات اهمیت می دهد لذا شایسته است که در خصوص مطبوعات یک قدری دقت کنیم و مفاسدی را که دارند تا اندازه اصلاح کنیم تا لافل این درجه سادت را بعد کمال برسانیم شاید از این راه بتوانیم ملت را هم اصلاح کنیم شاید مطبوعات جلویفتد و پیشوای ملت بشود و ملت را از حضیض جهالت و بدبختی نجات بدهند حالا می آئیم بخود مطبوعات مراجعه می کنیم ببینیم چه عیب دارد و علت اساسی مطبوعات چیست بعقیده بنده علت اساسی مطبوعات نه آن میکروب و هسته فساد مطبوعات است و نه آن امتیازات بی اساس است و آن اشخاص بی مورد غیر لایق و نه فحشهای بی اندازه هیچکدام اینها نیست علت بزرگی که مطبوعات ما را باینجا در آورده است گرانی طبع و نشر است این يك قضیه است حقیقی و اگر در اطراف این قضیه زحمت بکشیم زودتر بمقصود میرسیم در مملکت ما وسیله طبع و نشر نیست مسئله حیات که اولین قدم سعادت و ترقی و اولین مصالح ادبیات و فضائل است گرانی است در مملکت ما ماشین های مرکب سازی و کاهن سازی و حروف ریزی نیست در مملکت

ما مطابع فوتو گرافی و سنگی که یک وقتی بدرد ما می خورد از بین رفته و سیر ترقی مطابع ملل متمدنه آن مطابع ها را معمر کرده و بجای آنها يك مطابع و یکمقدار اسباب های شکسته خورد شده فوق العاده گران و بداز خارج وارد شده جانشین آنها شده است این است که روزنامه ها خرج و دخل نمیکند این است که روزنامه نویسان فکر میکنند از چه راه باید خرج و دخلشان را مساوی کنند آنوقت یا منتسب با جانب می شوند یا میروند با ارباب نفوذ متوسل می شوند یا نوکر دولت و مروج افکار دولت می شوند یا اینکه باشخاص فحش میدهند از بازاری گرفته ، حکومت شاهنشاهی از بالاتر باین حمله می کنند که بودجه خودشان را جبران بکنند این تشبیهات نا مشروع برای این است که چاپ گران و کاغذ گران است مثلاً قبلاً کاغذ را بندی سه تومان می خریدند و حالا از بندی ۹ تومان الی یازده تومان وارد می شود سابق حروف از قرار خرواری یا نصف تومان از تفلیس وارد میشد ولی حالا اینجا يك ماشین شکسته حروف ریزی هست که حروف را خرواری هفتصد تومان تمام میکند و چون منحصر است ناچار میخرند پس این فشار اقتصادی که از یکطرف فقر عمومی او را ایجاد کرده و از یکطرف نبودن وسائل طبع و نشر سبب آن شده است باعث شده است که اشخاص ضعیف اشخاص فاضل اشخاصی که خود شخصاً حاضر نیستند شرافت دیگری را ضایع لکه دار کنند نمی خواهند تشبیهات نا مشروعی کنند داخل روزنامه نویسی نمیشوند زیرا اشخاص فاضلی در مملکت ما هستند که اگر روزنامه بنویسند شاید خودم بجای این تنفر امروزی برای آنها دستهای شادی بزنند هورا بکشند ولی چون آنها میدانند از عهد اینکار بر نمی آیند و ناچارند فحش بدهند داخل نمیشوند يك قسمت اشخاص هم که داخل میشوند مطبع نیستند قضیه در چه حال است وقتی داخل در قضیه میشوند می بینند يك گودال خطرناکی رسیده اند که نمی توانند برگردند این است که بحال بی تکلیفی چند صباحی میباید و بعد از بین میرود و قیامین آنها يك قسمتی که متأسفانه یا خوشبختانه قابل دوام و متناصب با محیط ما است باقی می ماند و فحش میدهند حمله هم میکنند آنوقت نتیجه اش این است که ملاحظه می کنند پس در حقیقت اگر مجلس اگر دولت اگر عقلا و علماء بخوانند از فساد مطبوعات جلوگیری کنند چنانکه بنده مکرر بآقای رئیس الوزرا و همچنین بآقای رئیس مجلس عرض کردم بایستی صد هزار تومان از پولی که بعنوان مختلفه به مردموزید بعنوان شهریه می دهند کنار بگذارند و يك کارخانه کاهن سازی و حروف ریزی و مرکب سازی که تمام اینها را ممکن است صد هزار تومان

وارد کرد بطهران بیاورند و با قضا با شخص متعصب بفروشد آنوقت محسوس خواهد شد که بعد از دو سال یا سه سال بواسطه داخل شدن اشخاص متعصب فاضل دانشمند قدر روزنامه خوب خواهیم داشت و رفته رفته روزنامه‌های بد از بین خواهد رفت و هیچ لازم نیست دولت توی سر آنها بزور روزنامه آنها را توقیف کند آنوقت شما هم روزه بجای رومان بی‌معنی که چاپ شده و در دست مردم هست کتابهای عالی بخواهید داشت اگر بخواهیم مطبوعات را اصلاح کنیم و ادبیات خودمان را ترویج کنیم و بخواهیم از افکار و نوشته‌جات و نظم و نشر کثیف فعلی جلو گیری کنیم چاره منحصر است باینکه وسایل طبع و نشر را از دست بکنیم تا این مطالب از بین برود و این فضایی را هم که ذکر کردم شامل نشود حالا می‌توانیم تنزل می‌کنیم و داخل این مباحثات فعلی که مطرح بود می‌شویم

اصل ۷۹ مقرر قانون اساسی می‌گوید در تصویبات سیاسی و مطبوعات باید هیئت منصفه در محاکم حاضر باشد آقای وزیر قسمتی از فلسفه هیئت منصفه را بیان فرمودند ضرر ندارد بنده هم یک مختصری در تعقیب فرمایش ایشان عرض کنم برای اینکه فلسفه هیئت منصفه و علت ایجاد آن و دخول آن را در اصل ۷۹ قانون اساسی ندانیم نمی‌توانیم قضاوت کنیم مجلس شورای ملی برای اینکه دولتهای وقت از نقشه نظر سیاسی برای خفه کردن افکار عمومی و برای جلوگیری کردن از نوشته‌جات مردم موفق نشوند در محاکم اعمال نفوذ کنند برای این قضیه و برای اینکه بکنفر آزاد بخواه راهم باسم تصویب سیاسی بزند اقدام بکنند باینجهت هیئت منصفه رایج بین کرده است اگر بقوانینی که ملل متمدنه برای تعیین هیئت منصفه نوشته اند مراجعه کنیم خواهیم دید که با هیئت منصفه منتخبین صالح موافق هستند که باید از طرف ملت و میل ملت انتخاب شوند که در مسائل سیاسی و مطبوعات ناظر افکار عمومی باشند یعنی بروند در محکمه بنشینند وقتی یک نفر مقصر سیاسی آمد و او را محاکمه کردند و محکمه استدلال خودش را بیان نمود آن هیئت بنشینند اگر افکار عمومی موفق با تبرئه او است بدون لایحه او را تبرئه کنند

و همچنین اگر یک روزنامه و مجله و یا بالاخره کسی که یکی از روزنامه‌ها لایحه داده است و در آن روزنامه از رئیس الوزراء و یا از یک وزیر مقتدری یا از شاه مملکت تنقید کرده است او را در محکمه که هیئت منصفه هست آوردند خواستند او را به حبس و اعدام محکوم کنند هیئت منصفه اگر دید و حس کرد افکار عمومی میل دارد به این رئیس الوزراء تنقید و حمله شود او را تبرئه کنند یا برعکس اگر چنانچه شخص یک

تقصیری کرد و آن تقصیر خیانتی بود یا آن تقصیر بالاخره رشوه گرفتن از خارجی و فاش کردن سر مملکتی بود و در آن محکمه او را خواستند تبرئه کنند هیئت منصفه اگر حس کرد که افکار عمومی می‌خواهد این شخص مجازات شود مجازات او را اثبات می‌کنند و تأیید می‌کند و مجازات او را شدید می‌کند و از این نقطه نظر است که هیئت منصفه باید منتخب عموم باشد بنده شنیده‌ام راجع به هیئت منصفه لایحه معین شده است که در آنجا ذکر شده است از طرف مدعی و مدعی علیه دوفرد و از دولتهای دوفرد معین میشود و اینها هم هیئت منصفه هستند اگر این مطلب حقیقت داشته باشد اصل ۷۹ از میان رفته است در زمان کابینه قوام السلطنه که بنامش قانون برای هیئت منصفه بنویسند کمیسیون تشکیل دادند که بنده هم بودم آقایان وزیر عدلیه و وزیر معارف هم تشریف داشتند آقای ذکاءالملک و مستشار عدلیه هم بودند پس از دقت زیاد و مطالعات بسیار با رعایت و در نظر گرفتن عدلی بودن یا عملی نبودن آن قانون تهیه شد و بمجلس تقدیم گردید در آنجا اینطور تشخیص داده شد که در هر مرکز استیفا اعم از مرکز و ایالات توسط حکومت وقت و روسای عدلیه محل از تمام طبقات و از وجوه مردم دعوتی بشود و آنها یک کده چهل نفری که حائز صفات و شرایط معین باید باشند خودشان انتخاب کنند و این همه منتخبه در واقع هیئت منصفه باشند و همه ساله ده روز بعمل مانده باید این چهل نفر انتخاب شوند و در هر موردی محکمه میخواهد مشغول محاکمه و کار خود باید دوازده نفر از این همه را باقی بدهد معین کنند و پس از آنکه یک سال گذشت باید هیئت منصفه تعیین کرد و دومرتبه انتخاب شوند این ترتیب تشکیل هیئت منصفه بود حالا هر وقت قانون آن مطرح و محل بحث شد باید در اطراف آن صحبت و مذاکره کرد وای هنوز ما بخود آن موضوع نرسیده‌ایم که در اطراف آن صحبتی بکنیم عجالتاً بنده چندین اعتراض به این لایحه پیشنهادی آقای وزیر عدلیه دارم قبلاً این راهم باید عرض کنم که باتفسیر اصل ۷۹ کاملاً موافقم و بطوریکه آقای زنجانی فرمودند اگر بخواهیم خود اصل را بموقع اجرا بگذاریم برای هر جزئی تقصیری باید محکمه تشکیل کرده و همچنین هیئت منصفه تشکیل بدهیم و تفسیر کردن این اصل به این طریق بعقیده بنده غیر عملی است و بنده گمان می‌کنم پارلمان و مجلس حق داشته باشد یک ماده را تفسیر نموده و او را عملی بکند بنابراین نظریات خودم را در ضمن اعتراض این لایحه عرض می‌کنم

اولاً کلبه دهایی که طرف خصوصی دارند باید به محاکم خصوصی احاله و ارجاع شوند و کلبه دهایی که طرف خصوصی

ندارند و دارای جنبه عمومی می‌باشند باید به هیئت منصفه مراجعه شود آنوقت اگر بخواهیم این اصل را معتقد بشویم فرضاً یک روزنامه نویسی بر رئیس دولت وقت اعتراض بکند آن وقت رئیس دولت به موجب این لایحه جزء مدعی خصوصی شمرده شده و معاً که این امر بمحکمه خصوصی ارجاع می‌شود و نظر باینکه در محکمه خصوصی هیئت منصفه نیست لذا ما احتمال می‌دهم بلکه یقین داریم که دولت اعمال نفوذ خواهد کرد

چون وجود هیئت منصفه همیشه برای این است که از اعمال نفوذ دولت جلو گیری کند و فلسفه را هم که قانون اساسی و مجلس برای هیئت منصفه معتقد شده برای همین است که از اعمال نفوذ دولت جلو گیری کند پس وقتی که ما حمله بر رئیس دولت یا وزیر یا مستخدمین دولت را جزء حملات خصوصی قرار دهیم و معتقد شویم که محاکمه آن در محکمه خصوصی باید بشود بر خلاف اصل هفتاد و نهم قانون اساسی و بر خلاف اصل لزوم هیئت منصفه رفتار کرده‌ایم

آقای وزیر عدلیه در این لایحه می‌نویسد اگر کسی هتک شرف کسی را شفاهاً یا کتباً نماید بمحکمه خصوصی جلب می‌شود پس چرا اگر همان آدم فرضاً بوسیله طبع در روزنامه هتک شرف کسی را نمود محاکمه اش باید با حضور هیئت منصفه باشد مقصودشان این است همان طور که در صورت اول مقصوری بمحکمه خصوصی جلب میشود در صورت ثانی هم باید بمحکمه خصوصی جلب شده و بدون حضور هیئت منصفه محاکمه شود بعقیده بنده جواب این مسئله خیلی ساده است

بنده عرض می‌کنم چهارم اگر یک شخص عادی یک جنایتی را در کوچه مرتکب بشود یا طرف سوء ظن پلیس واقع شود پلیس می‌تواند او را دستگیر کرده و بجرم بموجب قانون تعقیب شده و در عدلیه استنطاق یا حبس شود در صورتی که اگر همان شخص وکیل باشد از تعرض و دستگیر شدن معصون است

این فرق برای چیست برای این است که وقتی طرف جرم وکیل باشد دارای جنبه عمومی می‌شود و در نتیجه افکار عمومی کاملاً با او متوجه و معطوف خواهد بود همین طور وقتی که آن شخص عادی روزنامه نویسی شد (عرض کردم وقتی صحبت از روزنامه یا روزنامه نویسی میشود مقصود نه هر ورق پاره‌ایست باید بهترین روزنامه‌ها را تصور کرد چون افکار عمومی متوجه او است) لذا دارای جنبه عمومی خواهد شد اگر ظلمی با او بشود مردم متأثر میشوند افکار عمومی بهیچان آمده فریاد می‌زنند پس بهمین دلیل است که قانون اساسی برای روزنامه نویسی اختصاصی قائل شده و محاکمه او را بحضور هیئت منصفه منوط

کرده است اگر خود آن روزنامه نویسی فرضاً در کوچه هتک شرف کسی را کرد ممکن است او را بمحکمه خصوصی جلب کرده مانند مردمان عادی او را محاکمه کنند ولی اگر روزنامه هتک شرف کسی را می‌نماید چون روزنامه وجهه عمومی دارد لهذا افکار عمومی با او متوجه میشود و نمی‌شود او را جلب کرد و محاکمه او را به محکمه خصوصی ارجاع کرد پس این نظریه آقای وزیر عدلیه بهیچ وجه وارد نیست بنده محققاً این جا یک عقیده دارم که بین نظریه آقای زنجانی و آقای وزیر عدلیه است و آن این است که اصلاً این لایحه برگردد بکمیسیون و یک مواد روشن تری بنام قانون تهیه شود و با دقت کامل تری تمام نکات و مسائل در آن مراعات بشود و بالاخره طوری نوشته شود که اگر جرئت اعتراض کردند یا چیزی نوشتند که از نقطه نظر نظم و ترتیب بطوریکه آقای وزیر عدلیه هم اشاره فرمودند مخالف با حیثیت عمومی بود بهیئت منصفه مراجعه بشود و این جمله یا اعتراض را جزء حملات عمومی محسوب دارند یعنی اگر روزنامه بر رئیس دولت یا سایر اجزاء دولت اعتراض کرد یا نسبت دزدی داد چون مسئله مربوط بمعروف و افکار عمومی در اطراف آن دور می‌زنند باو متوجه است باید به هیئت منصفه رجوع شود ولی اگر حمله روزنامه باشخص عادی از قبیل بزازی کاسب بقال یا بالاخره ملاک و شاهزاده بود آنوقت مطابق همان نظری که خود آقای وزیر اظهار کرده اند محاکمه باید بمحاکم عادی رجوع شده و دیگر وجود هیئت منصفه لازم نیست و گمان می‌کنم اگر آقایان نمایندگان محترم این نظریه بنده را قبول فرمایند خیلی بهتر خواهد بود زیرا نظریه بنده بین این دو نظر افراطی و تفريطی است که فعلاً در مجلس وجود پیدا کرده است و بدیهی است در آن مواد پیشنهادیه قضایا باید از یکدیگر تفکیک و تشریح بشود مثلاً فرق بین طرف خصوصی و طرف عمومی و همچنین تفاوت بین نگارش اعتراضیه که از طرف خود روزنامه نویسی طبع می‌شود یا اینکه از طرف دیگری بامضای محفوظ یا بامضای علنی در روزنامه نوشته و یکسای حمله می‌شود اینها مواردی است که بعقیده بنده باید بایکدیگر فرق داشته باشند مثلاً بنده یک نفر از اشخاص عادی هستم و وکیل مجلس هم نیستم اگر یک مقاله بی‌امضای یک روزنامه بدهم و آن روزنامه نویسی هم بگوید این مقاله متعلق بفلان شخص است و برای اثبات حقانیت خود سند ارائه بدهد آنوقت در این قبیل موارد باید تحقیقاتی قائل شد بعقیده بنده این قبیل اعتراضات را ممکن است بمحکمه رجوع کرد زیرا طرف حمله کننده یک شخص عادی است نه روزنامه نویسی باری مقصود این است بطوریکه بنده یادداشت کرده‌ام

جرمهایی که نسبت به اشخاص شده باشد در صورتی که مطابق فلسفه که بنده عرض کردم قانون بهیئت منصفه حق میدهد نسبت به جرمهای عمومی گذشت و بخشش می کند ولی هیئت منصفه مطابق قانون نمی تواند از جرمهایی که جنبه خصوصی دارد صرف نظر کرده و مجرم را تبرئه کند با این نظردیانتی که آقای شیخ الاسلام همیشه دارند در مجلس اظهار میفرمائید چگونه معتقدند هیئت منصفه حق شخصی کسی را پایمال کند بنا براین بعقیده بنده هیئت منصفه نمی تواند نسبت به يك جرم خصوصی که طرف دعوا شخص بخصوصی است و جنبه عمومی هم در بین نیست صرف نظر کرده مجرم را تبرئه کند اساسا کلیه اعتراضاتی که در مطبوعات یا غیر مطبوعات میشود ممکن است سه جنبه داشته باشد يك جنبه عمومی یا يك جنبه خصوصی و بالاخره يك جنبه سیاسی هرگاه جنبه سیاسی باشد قانون اساسی تکلیفش را معین کرده و ما که امر را بهیئت منصفه واگذار کرده است اگر جنبه عمومی باشد چون مسئله راجع به عموم و هیئت منصفه هم از طرف حاضر و ناظر است میتواند آن نقطه نظر عمومی اظهار عقیده کرده و بگوید من این جرم را قابل مجازات نمیدانم اما وقتی که داخل در شخصیات شد و طرف دعوا شخص معین باشد در آنجا وجود هیئت منصفه دیگر فلسفه ندارد زیرا حق گذشت یا تعقیب مجازات فقط با طرف خصوصی دعوا است اگر هم مواردی پیدا شد که مسئله زوجیتین شد یعنی هم جنبه عمومی و هم جنبه خصوصی داشت آنوقت جنبه خصوصی در تحت جنبه عمومی مستهلك خواهد شد و مسئله با حضور هیئت منصفه در محکمه جزا مطرح خواهد شد اگر در محکمه هیئت منصفه جنبه عمومی را تبرئه کرد جنبه خصوصی را مدعی میتواند در محکمه تعقیب کرده مجازات او را بخواهد زیرا بنده معتقدم که حقوق افراد باید مصون و محفوظ بماند و قانون هم نباید نسبت به حقوق اشخاص دخالتی میکند این است که جنبه خصوصی حتماً باید به عادی برود و هیچ وجود هیئت منصفه هم لازم نیست این عقیده بنده بود که عرض کردم اگر بخواهیم زیاد تر از این محدود کنیم آن وقت خلاف قانون فلسفه میشود

ولی اگر قانون اساسی بن اجازه می داد می گفتم از این هم محدودتر شود زیرا قانون قابل تغییر است و برای آسایش عموم مطابق اقتضای زمان ممکن است قانون را تغییر داد اما آن نظر تفکیکی را هم که آقای ملک الشعراء قائل بودند بنده مخالفم زیرا گمان می کنم قانون را بشود استثناء و تفکیک کرد بلکه باید عمومیت داشته و شامل حال همه بشود وقتی ما قائل شدیم جرمهایی که دارای جنبه عمومی نیست نباید به محکمه عمومی

گذشت ندارد اما هیئت منصفه غالباً جنبه رحم و گذشت دارد حالیه برای چه گذشت می کند چون همان طور که فرمودند هیئت منصفه را در واقع ملت انتخاب می کند و غالباً ممکن است يك جرم و تقصیری وارد باشد اما نظر باین که آن جرم جنبه سیاسی دارد و ملت علاقمند است که این مجرم تبرئه شود آنوقت هیئت منصفه در محکمه می نشیند و بعد از این که مدعی العموم اقامه دعوی کرد مدعی علیه جواب خودش را داد آنوقت محکمه بهیئت منصفه رجوع می کند و میگوید آقایان ثابت شده که این شخص مجرم و قابل مجازات است هیئت منصفه می گوید چون این محکمه جنبه سیاسی دارد لذا من از طرف عموم ملت مجازات این شخص را نمی خواهم و باید تبرئه شود در آنوقت محکمه معاکمه را ختم کرده و مجرم را تبرئه می کند و او بی کار خود می رود و باین که جرم را خفیف تر می کند پس فلسفه هیئت منصفه در هیچ مملکتی برای جلوگیری از نفوذ دولت نیست زیرا افاضی در همه جا مستقل و آزاد است و هیچ نفوذی نمی تواند در او تأثیر و رسوخ کند و بعقیده بنده اگر همچو محکمه وجود داشته باشد که نفوذ دولت در او اثر داشته باشد آن محکمه ناقص است و باید بآن محکمه استقلال کامل داد و البته وقتی محکمه مستقل و آزاد شد نفوذ دولت بالطبع از بین می رود حالا از این مرحله میگذریم و در ترتیب تعیین انتخاب هیئت منصفه هم بنده وارد نمی شوم در هر حال هیئت منصفه چون منتخب و برگزیده عموم است می تواند جرمهایی که جنبه عمومی دارد گذشت کند ولی بنده گمان نمی کنم در جرم های خصوصی هیئت منصفه حق گذشت و بخشش را داشته باشد و اعم از این که این جرم ناشی از مطبوعات یا غیر مطبوعات یا شفاهی یا کتبی باشد هیئت منصفه در موارد خصوصی که مدعی و مدعی علیه خصوصی دارد حق گذشت ندارد راست است قانون اساسی در دوره اول مجلس نظریات یکمده از منتخبین ملت نوشته شد ولی در همین حال بر هیچ يك از ماها هم پوشیده نیست که قسمت عمده از قانون اساسی از جاهای دیگر و از ممالك خارجه ترجمه شده البته باید آن را مطاع و مقدس دانسته و در اجرای آن سعی باشیم لکن در خود آن ممالك هم مطبوعات اینقدر آزادی ندارند چنانچه اگر مراجعه بقانون فرانسه که مسبو برنی در آن تاریخ ترجمه کرده است بفرمائید ملاحظه خواهید فرمود که مطبوعات در آنجا به مراتب محدود تر از ایران است حتی بعضی از قسمتهایی که يك جنبه عمومی داشت می گفتند معاکمه آنها به عادی باید برود و هیئت منصفه لازم ندارد باری هر چه فکر و تأمل کردم از فرمایشات آقای شیخ الاسلام چیزی بفهمم و مقصود ایشان را از این فرمایشات ندانستم چه بود ایشان فرمودند کلیه جرمهایی که از مطبوعات ناشی میشود بهیئت منصفه رجوع شود و به محکمه عادی و عمومی نرود حتی

فرمایشی بفرمایند و شخصاً بنده خود هیچ نظری نسبت به محدود کردن مطبوعات یا بکلی آزاد کردن آنها ندارم و برای بنده هم بهیچوجه فرق نمی کند ولی بعقیده بنده این است قانونی که در مملکت وضع میشود یا تفسیری که در اصول قانون اساسی میشود باید مطابق اصول عملی باشد که اسباب آسایش عامه فراهم آید با مقدمه این لایحه پیشنهادیه و این تقاضائی که آقای وزیر عدلیه از مجلس کرده اند موافق نیستم و آن این است که مکرر از طرف آقای ملک الشعراء و خود آقای وزیر عدلیه در این جا صحبت شد که وجود هیئت منصفه برای جلوگیری از اعمال نفوذ دولت است و فلسفه را که برای وجود هیئت منصفه قائل شدند همین بود که از اعمال نفوذ و نظریات خصوصی دولت جلوگیری و ممانعتی بعمل آورد و بعقیده بنده اینجا اشتباه شده است بنده با اینکه امروزه محاکم در چه حال و در چه کارند هیچ کاری ندارم

زیرا قانون را باید همیشه نگاه کرد نه محکمه را در تمام دنیا همینطور قانون اساسی قوه قضائیه را مقابل قوه مقننه و قوه مجریه قرارداد و این سه قوه را در عرض هم دانسته است و قوه قضائیه را بطوری مستقل کرده است که دولت اصلاً حق تغییر يك نفر قاضی را ندارد و حتی بالاتر عرض می کنم مطابق قانون اساسی مطابق قانون اساسی حق تغییر مقام او را هم ندارد حالا این عمل نشده ربطی بقانون ندارد حالا وارد می شوم در اصل قانون پس يك چنین محکمه و يك همچو قوه قضائیه که بموجب قانون اینطور مستقل شد هیچوقت در تحت تأثیر تمایلات و نفوذ دولت نرفته و نمی رود و برای همین نظر بوده است که در تمام دنیا هیئت منصفه را برای تقصیرات سیاسی و مطبوعات قراردادند حالا این نظر برای چه بوده است بنده نمی دانم ولی خود آقای ملک الشعراء در آن کمیسیون تشریف داشتند بنده هم در خدمت ایشان بودم راجع بقانون هیئت منصفه که از فرانسه ترجمه کرده بودند و مسبو برنی مستشار عدلیه ترجمه کرده بود و یک قسمت را هم خودش توضیح میداد و آقای ذکاءالملک هم حضور داشته و توضیحات مفصلی میدادند می گفتند تشکیل هیئت منصفه برای اینست که وقتی معاکمه راجع به سیاسیات به يك محکمه رجوع می شود محکمه بدون این که هیچ نظر محافظه کارانه داشته باشد و بدون این که نظر رحم و شفقتی باشد مطابق قانون حکم صادر می کند و از هیچ چیز ملاحظه نمی کند مگر از قانون بعد از آن که جرم ثابت را مطابق تشخیصی که محکمه میدهد آن جرم را با مواد قانون جزا تطبیق و مقایسه کرده چشمش را هم می گذارد و رای خود را صادر و مجازات مجرم را مطابق قانون جزا معین می کند محکمه بهیچوجه رحم و

این قبیل مواد خیلی زیاد است که فعلاً ذکرش را زائد میدانم و هر وقت این نظر و عقیده بنده تثبیت شد مراتب را در موقع خود عرض خواهم کرد در ضمن هم باید تکلیف قانون مطبوعات معین بشود زیرا آنجا مواد و فصولی معین شده و جرائمی برای تقصیرات جرایم معین کرده ولی در عین حال بعقیده بنده باین نکات هم باید توجه شد و مجری او را معین کرد زیرا خود این مسئله يك قضیه مهمی است زیرا آن قانون از مجلس گذشته و در این رای که میدهم در تفسیر اصل هفتاد و نهم باید تکلیف آن قانون را هم معین کنیم

نایب رئیس - معلوم میشود آقای ملک الشعراء هم موافق بودند

ملک الشعراء - خیر بنده مخالف بودم مخالفت بنده در صریح این لایحه است در قسمت مقدماتی لایحه می گویند اگر ظرف دعوا و حمله اشخاص خاصی نباشند معاکمه بهیئت منصفه رجوع میشود و فرق هم بین نگارنده خود روزنامه یا نگارشی که با مضای محفوظ با اداره روزنامه رسیده است نگذارده اند بنده عرض می کنم دعوا چه طرف خاصی داشته باشد چه نداشته باشد و قتی که طرف اشخاص عادی بودند معاکمه آن به عادی باید برود ولی اگر طرف دولت یا اجراء دولت بود آنوقت آن دعوا در حکم دعوی عمومی بشمار رفته و باید با حضور هیئت منصفه معاکمه بشود

نایب رئیس - آقای گروسی مخالفید؟

گروسی - بلی مخالفم
نایب رئیس - آقای دولت آبادی مخالفید؟

حاج میرزا علیمحمد دولت آبادی - بلی مخالفم

نایب رئیس - آقای سلیمان میرزا بطور مخالفید یا موافق؟

سلیمان میرزا - بنده هم مخالفم
نایب رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله موافقت یا مخالف؟

حاج شیخ اسدالله بنده موافقم
نایب رئیس - بفرمائید

حاج شیخ اسدالله - راجع به قسمت قانون مطبوعات که آقای ملک الشعراء فرمودند این لایحه هیچ نظری ندارد که معاکمه و جریان آن بچه نحو باشد البته در قوانینی که وضع می شود باید ملاحظه و رعایت نکات بشود که در نتیجه ارتباط نامی با هم داشته و در موقع عمل با هم تضادی نباشد و اشکالی پیش نیاید البته آقایان تصدیق می فرمایند که در موقع وضع یا تفسیر يك قانون بهیچ وجه نباید احساسات را شرکت داد و تصور هم نمیکنیم هیچ يك از آقایان در تحت تأثیر احساسات

دیگر بین وزیر یا وکیل فقیر یا غنی کوچک یا بزرگ فرقی نباید گذاشت و همه را در یک ردیف باید فرض کرد مگر اینکه یک جنبه سیاسی باو بدهیم و بگوئیم چون این تعرض که فلان روزنامه نویس یک وزیر کرده جنبه سیاسی دارد و راجع به عموم است

از این جهت وجود هیئت منصفه در محکمه برای نظارت از طرف عموم لازم است.

اما بمجرد اینکه داخل در شخصیات و خصوصیات شد دیگر هیئت منصفه حق دخالت ندارد

پس مسئله قابل تفکیک و استثناء نیست و همه را در ردیف هم باید فرض کرد

نایب رئیس - چهارده نفر از آقایان اجازه خواسته اند و مدتی هم مجلس طول کشیده است کمیسیون ها هم باید امشب انتخاب شوند از این جهت اگر آقایان موافق باشند خوب است امشب جلسه را ختم کنیم و بقیه مذاکرات برای جلسه دیگر بماند

وزیر عدلیه - چون تعیین تکلیف این لایحه باید امشب معلوم شود و آقایانی هم که اجازه خواسته اند باید استفاده از حق خود و اجازه خودشان بکنند

از این جهت خوب است اگر آقایان خسته شده اند یک ربع ساعتی اجازه تنفس بدهید و بعد از یک ربع ساعت مجدداً جلسه تشکیل شود زیرا هنوز یکساعت از شب نرفته است و همیشه معمولاً مجلس تا ساعت چهار واصل می کشید

نایب رئیس - فرمایش جنابعالی صحیح است اما الفات می فرمائید که انتخاب کمیسیون ها هم مدتی طول دارد بعلاوه چهارده نفر هم اجازه خواسته اند خوب است بهمین اکتفا کنیم و اجازه هائی که آقایان خواسته اند از برای جلسه دیگر محفوظ خواهد ماند

وزیر عدلیه - بنده می خواستم از آزادی خود استفاده بکنم و بعضی از آقایان نمایندگان هم کفرمایشاتی دارند بفرمایند تا یکدفعه جواب همه را عرض کنم ولی از قرار معلوم ممکن است مجلس خامه یا بدو عقیده دوات معلوم نباشد

لذا بر سبیل اجازه از کرسی نطق استفاده می کنم و لازم می دانم جواب بعضی اعتراضات آقایان را عرض کنم که کلاماً محال اعتراضات امشب بی جواب نمانده باشد.

آقای زنجانی فرمودند این اصل هفتاد و نهم قانون اساسی به چه وجه محتاج بتفسیر نیست

و ضمناً استفسار فرمودند کدام یک از این کلمات مبهم و محتاج بتفسیر است و استفسار فرمودند که آیا کلمات سیاسی یا مطبوعات یا تفصیرات مبهم است محتاج به تفسیر باشد و چون بنظر محترم ایشان هیچ یک از این عبارات مبهم نیامد لذا از این اصل را محتاج بتفسیر نداشتند

اولاً در همین سه کلمه که فرمودند بنده همان کلمه اول را مبهم می دانم فرمودند آیا تفصیرات مبهم است؟ عرض می کنم بلی تفصیرات مبهم است

این جمله را هم باید عرض کنم در زمانی که قانون اساسی نوشته میشد هنوز زبان ناقص بود مثلاً وقتی که کلمه تفصیرات را نوشته اصطلاحی را که امروزه بجرمها اطلاق می شود تعیین نکردند در صورتی که بعداً اینکلمه بلسان قانونی معین شده و معانی آن را از یکدیگر تفکیک نموده اند و در جایی برای آن قائل شده اند خلاف و جنبه و جنایات حالا قبل از این که وارد تفسیر این ماده بشویم بنده از آقایان نمایندگان محترم می پرسم وقتی می فرمائید تفصیرات مطبوعات به محکمه با حضور هیئت منصفه برود مقصودشان خلاف است جنبه است خیانت است هر سه مقصود کدام یک از این ها است یا یک کدام محکمه باید برود و آیا ترتیب چیست زیرا قبل از وضع قانون مطابق اصطلاح زبان ما یک کلمه داشتیم که آن را تفصیرات می نامیدیم و یک کلمه دیگری داشتیم که کلمه قصور بود و در ردیف یائین از تفسیر می گذاشتیم و اگر با اصطلاح امروزه مراجعه کنیم باید بگوئیم خود این تفصیرات مبهم است زیرا معلوم نیست کلمه قصور را بنا کدام از درجات خلاف یا جنبه باید تطبیق کرد یا اینکه باید بگوئیم که تفسیر بمعنی جنبه و خیانت است و قصور بمعنی خلاف خود این مراتب یک چیز هائی است که قابل مذاکره است و بالتبعیه در همان کلمه اول این اصل محتاج بتفسیر است و الا از کجا باید فهمید مقصود از تفسیر خلاف است یا جنبه است یا خیانت.

مثلاً فرض بفرمائید توهین یا اهتکام یک فردی از مطبوعات نسبت بفرد دیگر آیا جزء تفسیر - مطبوعات باید تلقی شود؟ از کجا؟

بنده خیال می کنم این مسئله جزء تفسیر مطبوعات نیست بلکه تفسیر یک فردی است نسبت بفرد دیگر و اگر تفسیر یک فردی را در مطبوعات نسبت بفرد دیگر جزء تفسیر مطبوعات فرض کنیم آنوقت قانون اساسی لزوم هیئت منصفه را در محکمه ایجاب می کند و حال آنکه مقصود این نیست.

پس بطوری که عرض کردم زبان معمولی ما با زبان قانونگذاری فرق می کند و زمان قانونگذاری با زبان قضاوت دوتا است.

بنا بر این تفسیر این اصل نهایت لزوم را دارد دلیل دیگری آقای زنجانی فرمودند که چون دوازده سال است از وضع قانون اساسی گذشته و چون کسی متعرض این اصل نشده است لهذا این اصل محتاج به تفسیر نیست.

بنده این مطلب را بحکمت خود ایشان مراجعه می کنم و استدعا می کنم بمن بفرمائید آیا در ظرف این دوازده سال یک روزنامه یک ورقه جایی در این مملکت معاکمه شده است که محتاج باین تفسیر شده باشند؟ اگر شده حق با ایشان است ولی بر عکس است تا بحال هر کسی که محل اعتراض و مورد حمله واقع می شد اصلاً محکمه صالحی که برای رسیدگی صالح باشد پیدا نمی کرده و این اصل در ظرف این دوازده سال اجرا نشده که ببینند محتاج بتفسیر هست یا نه؟

یک مسئله دیگری که آقا فرمودند این بود که تفسیر این اصل مخالف مواد قانون اساسی است و همچو تصور کردند که بنده در لایحه تقدیمی بمجلس این طور استدعا کرده ام که حضور هیئت منصفین فقط در تفصیرات سیاسی لازم باشد بنده از ایشان استدعا می کنم یکدفعه دیگر لایحه پیشنهادی بنده را فرات بفرمائید خود بنده هم طرفدار این عقیده هستم با وجود اینکه می شود از اصل قانون اساسی این طور استنباط کرد که مقصود تفصیرات سیاسی است ولی بنده این اصل را معتقد نشدم که فقط تفصیرات سیاسی با حضور هیئت منصفه معاکمه شود و درخواست کرده ام جرم هائی که دارای حیثیت عمومی است با حضور هیئت منصفه معاکمه شود مابین جرمهای دارای جنبه عمومی و تفصیرات سیاسی خیلی فرق است و مقصود هم ندارم که فقط تفصیرات سیاسی مطبوعات به محکمه با حضور هیئت مراجعه شود.

اما تفصیرات عادی غیر از تفصیرات دارای جنبه عمومی است قتل تفسیر سیاسی نیست اگر چه ممکن است بعضی از قتلها جنبه سیاسی داشته باشد ولی خود بالذات تفسیر سیاسی نیست اما جرمی است که دارای جنبه عمومی است و تمام جامعه ذی علاقه هستند که تشویق از قتل نشود بنا بر این در اینجا لزوم هیئت منصفه را لازم دانستیم پس قصد ما از این لایحه پیشنهادی این بود که تمام تفصیرات و تمام جرمها که دارای حیثیت عمومی است و آن تفصیراتی که ارتعاشات برای عموم ضرر دارد و بالتبعیه جامعه در آن ذی دخل هستند با حضور هیئت منصفه معاکمه شود.

یکی از آقایان نمایندگان شرحی راجع به یک قسمت از وظایف مطبوعات بیان فرمودند گو اینکه راجع باین مطلب نبود ولی بنده هم طرفدار ایشان هستم و همه باید طرفدار آزادی مطبوعات باشیم البته ما همه اطفال و اولاد آزادی هستیم و همه مادر مهد مشروطیت پرورش یافته ایم و هر وقت تخطی بآزادی و مشروطیت بپیشیم منجر می شویم.

پس بنابراین از حیث عقیده بآزادی مطبوعات مساوی هستیم ولی عرض می کنم این قسمت طرفداری و عدم طرفداری از آزادی مطبوعات هیچ مربوط باین لایحه نیست و اصل هفتاد و نهم را که ما اعتقاد داریم تفسیر شود و مخالفین می گویند تفسیر نشود بقدر سر سوزنی از تفسیر آن سکنه بآزادی مطبوعات وارد نمی شود چرا بجهت اینکه قانون اصول محاکمات جزائی ما نه تنها جنایات را بلکه جنبه های مطبوعات را هم رجوع می کند به محکمه جنائی محکمه جنائی یعنی چه؟

یعنی شبهه محکمه استیناف یعنی یک محکمه که بر فرض اینکه هیئت منصفین هم نباشند از نقطه نظر عدالت و از نقطه نظر قضاوت یک محکمه عالی است و از نقطه نظر احقاق حق تمام تضمینات لازمه در آنجا برای حفظ آزادی مطبوعات در نظر گرفته شده و از روی تفنن دفاعی و میل شخصی نیست که هر طور بخواهند با مطبوعات رفتار کنند حکم و حاکم در تفصیرات قانون است یعنی تفصیراتی را که در قانون مطبوعات مجازات آنها پیش بینی شده از روی قانون مطبوعات حکم می کنند و تفصیراتی که مجازات آنها در قانون مطبوعات پیش بینی نشده از روی قوانین عادی مملکتی تعیین میکنند بنابراین تعرض بآزادی مطبوعات نخواهد شد پس در هر صورت تفسیر این اصل اهم از اینکه نقیاً یا ثباتاً بشود هیچ جلوگیری از آزادی مطبوعات نخواهد کرد و بقول مخالفین کلمه (آزادی مطبوعات) یا بقول بعضی نویسندگان خارج (احتیاط مطبوعات) کلامانی است قشنگ ولی در اینجا هیچ مورد ندارد حالا باید عرض کنم که چگونه این مطلب پیش آمد چون وقتی ما بخواهیم عملی شویم یک حقیقتی را باید در نظر بگیریم و آن این است که هر آزادی در دنیا مستلزم یک مسئولیتی است این یک اصلی است که تمام دنیا آن را قبول کرده اند زیرا آزادی بدون مسئولیت غیر قابل دوام است زیرا آزادی بدون مسئولیت بقالب هرج و مرج ریخته میشود و هیچ جامعه منظمی تحمل هرج و مرج را نمی کند پس آزادی لازمه مسئولیت است آزادی و مسئولیت بعقیده بنده و تمام دنیا تا وقتی با هم توام نباشد هیچ کدام قابل دوام نیستند چه آزادی بدون مسئولیت و چه مسئولیت بدون آزادی

خوب حالا میزان مسئولیت را کجا باید

معین کرد .
جائیکه بشود اصول کلی را با موارد خاص تطبیق کرد آنجا محکمه است که صلاحیت تعیین میزان مسئولیت را دارد و هر جائی که محکمه باشد هم حقوق افراد و هم حقوق مطبوعات محفوظ است و بواسطه نداشتن محکمه است که حقوق افراد و مطبوعات هر دو متزلزل است
پس ما بنام حفظ حقوق و آزادی مطبوعات خواستیم آن محکمه که باید مشخص و تطبیق کند میزان مسئولیت را نسبت به آزادی که بمطبوعات داده شده بعد از شانزده سال که از هر مشروطیت میگذرد معین کنیم چون در این شانزده سال هر کس بهر محکمه از مطبوعات شاکی شد وکیل طرف یا خود طرف بمحکمه جواب میداد چه حق داری رسیدگی کنی و بموجب اصل هفتاد و نهم قانون اساسی هر نوع تقصیری راجع بمطبوعات باشد باید در یک محکمه باشد که هیئت منصفه در آنجا حضور داشته باشد چون میدیدند حضور هیئت منصفه در هیچ دعوائی عملی نیست چنانکه تا امروز هم در عدلیه ما هیچ راجع بمطبوعات معاکمه نشده و هروقت هم رجوع شده رد کرده اند و بالاخره نتیجه اش این شده است که مردم روزنامه ها فحش داده اند و روزنامه ها هم بمردم فحش داده اند و بالاخره حالا که خیلی قیل و قال بلند شده مجبور شدیم بهر طریقی و بهر وسیله هست موجبات رفع این قیل و قال را فراهم کنیم باینجهت مامتوسل شدیم به اصل هفتاد و نهم قانون اساسی و پس از مدافعه دیدیم از اول کلمه تفصیر مبهم است
اولا خود کلمه تفصیر همانطوری که قبلا عرض کردم محتاج به تفسیر است برای اینکه معلوم نیست کدام تفصیر کدام کاتگری و کدام طبقه از جرما است که باید بعنوان تفصیر باشد
ثانیا کدام طبقه جرما باید با حضور هیئت منصفه رسیدگی بشود ؟
آیا تمام جرما با آن جرماهاییکه دارای حیثیت عمومی است ؟
پس ما آمدیم و در اینجا قائل شدیم جرماهاییکه دارای حیثیت عمومی است بمحکمه برود که هیئت منصفه حضور دارند چرا ؟
برای اینکه جرماهاییکه دارای حیثیت عمومی است جامعه در آن ذی علاقه است والا جرماهای خصوصی را جامعه چه علاقه دارد که نماینده خودش و نظار خودش را بفرستد در محکمه حاضر باشند مثلا بنده دعوائی دارم با مغیر کمیسون عدلیه یا ایشان محکوم میشوند یا من محکوم میشوم اگر ایشان محکوم شدند و نا راضی بودند میروند نیز میدهند و تکلیف معین میشود پس حضور هیئت منصفه در دعوای خصوصی ابتدا منطقی ندارد و حضور هیئت منصفه

فقط برای جرماهای است که دارای حیثیت عمومی است و جامعه ذی علاقه است و باید جامعه نماینده خودش را بعنوان نظارت بفرستد .
آقای ملک الشعراء که در واقع از بیان ایشان معلوم بود موافقت فقط نگرانی از قانون هیئت منصفه داشتند و فرمودند اگر روزنامه نویسی نسبت بر رئیس الوزراء و وزیر وقت بدگفت این جرم دارای حیثیت عمومی است و یا جرم دارای حیثیت خصوصی تصور خواهند کرد و بدون حضور هیئت منصفه معاکمه میشود اگر چه اینمطلب در اینجا نبود باید در لایحه که موارد تقصیرات دارای جنبه عمومی معین می شود مذاکره شود ولی چون ایشان حالا فرمودند بنده هم جواب می دهم و عرض میکنم ما خودمان هم با نظر جنابعالی قبلا موافق بوده ایم و با اینکه همه ما باید از بیطرفی محکمه و صحت جریان معاکمه اومطمئن باشیم زیرا این محکمه یک شعبه از معاکم استیفاء است و محکمه عالی است و همه باید بصحت عمل اعضای اعلی الخصوص که یک محکمه دیگری مافوق او هست معترف باشیم ولی با وجود این برای اینکه جلوگیری از اعمال نفوذ وزیر در محکمه بشود در این لایحه همین مورد پیش بینی شده و بنده اجازه میخواهم بخوانم :
هك شرف و نهم نسبت بر رئیس مملکت و وزراء و سفراء و مختار و سایر نمایندگان سیاسی خارجی و رؤسای بری و بحری و معاکم عدلیه و کلیه ادارات دولتی جزء جرماهای دارای حیثیت عمومی است و این همان نظری است که جنابعالی میفرمائید پس هر نوع تهمت و هتك شرفی به اینطور اشخاص بشود باید با حضور هیئت منصفه بمحکمه رجوع بشود و کمالا نظر جنابعالی را تا این میکنند و آن اشکال هم بر طرف میشود
اما راجع بمطالب دیگری که فرمودند اگر چه در آن باب توضیح دادم باز هم چند کلمه عرض میکنم .
بعضی از نمایندگان محترم گمانه همچو تصور فرموده اند که این تفسیر موجب کاستن حقوق روزنامه نویس میشود يك مرتبه دیگر تکرار می کنم که این مربوط بروزنامه نویس نیست
و آن مثلی که فرمودند که چرا وقتی که يك فردی از افراد هادی دارای مقام و کانت می شود مصون از تعرض می شود بنا بر این روزنامه نویس هم يك مقام خاصی را دارا می شود
مقصود از اصل هفتاد و نهم قانون اساسی این نیست و مقصود تقصیرات مطبوعات است مربوط بروزنامه نویس نیست یعنی هر فردی از افراد مملکت يك تفصیر یا باصلاح حالیه يك جرمی از جرائم عمومی را در مطبوعات مرتکب بشود باید با حضور هیئت منصفه

معاکمه بشود مطبوعات هم منحصر بروزنامه نیست و کلیه چیزهایی که چاپ می شود جزء مطبوعات است کتاب است و مجله است روزنامه هست اعلانات و اورافی که بدربر دیوار الصاق می شود هست
پس تنها راجع بروزنامه و روزنامه نویس نیست و اگر دقتیه آقایان تصدیق شود پس باید گفت هر فردی نسبت بفرد دیگری مرتکب جرمی در مطبوعات شد باید هیئت منصفه در موقع معاکمه حاضر باشد .
و حال آنکه مقصود این نیست و جرم هائی که دارای حیثیت عمومی است و جامعه ذی علاقه در آنها است باید با حضور هیئت منصفه معاکمه شود و تمام جرماهای خصوصی که جامعه در آنها ذی علاقه نیست باید به معاکم هادی برود
یعنی مطابق اصل ۱۸۷ از قانون اصول معاکمات جزائی باید بمحکمه جنائی که يك شعبه از معاکم استیفاء است برود و در خانه عرض می کنم خوب است آقایان باصل بیستم قانون اساسی يك ملاحظه و دقت نظری بفرمایند
نایب رئیس - آقای تدین (اجازه)
تدین - موضوع عرایض بنده این مسئله که مطرح بود نیست و در جلسه آتی در این زمینه ممکن است عقاید خود را اظهار کنم ولی اجازه که خواسته ام برای يك موضوع عجیب و غریبی است باین معنی که راجع بكشف يك نیرنگ سیاسی و يك اقدام غیر مشروعی است که در دوره زمامداری آقای قوام السلطنه اتفاق افتاد و آن موضوع اقداماتی است که همه آقایان می دانند از طرف شخص قوام السلطنه نسبت بمشار الملک و دستگیری يكده اشخاص بعنوان يك تهمت هائی شده و در نتیجه يك ورقه استعفاء نامه از طرف مشار الملک در این مجلس قرائت شد بعد هم انتخابات سیرجان شروع و مردم هم بکنفر نماینده برای خود انتخاب کردند بنده هیچ نظر سوء نسبت بمنایند فعلی سیرجان نداشته و ندارم و خیلی هم متأسفم که بعد از وقوع انتخابات آنجا و منتخب شدن شخص ایشان باید این مسئله مطرح شود و از آن طرف هم بنده هیچ علاقه بشخص مشار الملک نداشته و ندارم و البته تصدیق دارم انتخاب مشار الملک مربوط بمجلس است و در این حرفی تلگرافی که از معمره از طرف مشار الملک در تاریخ بیست و نهم عرق گذشته که تاریخ اصل است و تاریخ وصول آن شب چهارم قوس گذشته است بنمایندگان کرمان مخبر شد این مواد تلگراف است و عین آن تلگراف را در نزد بعضی از آقایان محترم دیدم و الان هم موجود است می نویسد مقام محترم مجلس شورای ملی کیه آقای هریتمدار کیه آقای

حاج میرزا مرتضی آقای رفعت الدوله آقای آصف الممالک آقای عبدالسلطنه و کلای محترم کرمان چون بتلگراف مفصل دهم صفر بنده از بغداد تا بحال جوابی از مجلس مقدس شورای ملی نرسیده پس از چهل روز که بواسطه عارضه در دیا متوقف بغداد بودم حالیه برای ملاقات اولاد خود که در تحصیل هستند موقتاً دازم اروپا بدم خاطر عموم و کلای محترم را مستحضر می نمایم که بنده خودم را در نمایندگی سیرجان باقی و برقرار دانسته و هر موقع مجلس مقدس امر باحضارم فرمایند با کمال افتخار برای اشتغال بخدمت فوراً حاضر خواهم بود مشار الملک در این جا اشاره بتلگراف دهم صفر که بمجلس مقدس نود و جوابی نرسیده است بمنماید بنده هم بعد از تحقیقاتی که شخصاً از مقام ریاست کردم اظهار کردند که این تلگراف بمجلس نرسیده حالا این تلگراف در کجا در تحت سانسور مانده نمی دانم بعد از آن تلگراف که مدتی می گذرد و مشار الملک انتظار جواب میکشد جواب باو نمیرسد حدس می زند که بواسطه اعمال نظریات خصوصی ممکن است تلگراف بمجلس نرسیده باشد این است که سواد آن تلگراف بغداد را طبع می کند و بواسطه مسئله برای بعضی از آقایان می فرستند این سواد چاپی را آقایان ملاحظه فرموده اند ولی معذالك برای این که میدانم شاید جمعی مستحضر نباشند می خوانم و در نتیجه حکمیت موضوع را بافکار نمایندگان و بافکار عمومی واکرا مینمایم و هیچ نظر خاصی هم ندارم که مشار الملک آدم خوبی بوده یا نبوده غرض يك سلسله حقایقی است که در چند ماه قبل واقع شد
(سواد تلگراف را بمضمون آتی قرائت نمودند)
مقام منیع ریاست مجلس شورای ملی کیه آقای مدرس آقای تدین - آقای طباطبائی آقای سلطان العلماء بروجر دی شاهزاده سلیمان میرزا آقای رفعت الدوله آقای شیخ الاسلام اصفهانی آقای سید فاضل آقای شیخ اسدالله سردار معظم خراسانی آقای سردار معظم کردستانی آقای امین الشریعه آقای معقی العلماء آقای میرزا ابراهیم قمی از یکشنبه بیست و دوم محرم تا دوشنبه غره صفر در صاحب قرانیه متوقف و در تحت نظر قزاق بدون ملاقات با احدی بوده و همه روزه تقاضای معاکمه خود را می نمودم تا روز دوشنبه اعلیحضرت همایونی احضار و مقرر فرمودند که صلاح این است مسافرتی با اروپا نمایند عرض کردم بدون معاکمه نمی توانم خود را راضی بمسافرت نمایم فرمودند وضعیت خوب نیست وزیر جنگ تامی نامه نوشته فرستاده که شما بدون معاکمه بروید عرض

کردم ممکن نیست دسیسه که دشمنان من فراهم کرده قبل از رسیدگی در جراید آبروی مرا ریخته اند تا در محاکمه مطلب روشن نشود نمیروم حتی عرض کردم حاضرم اسامه بنظمیه رفته یا بقراقخانه خود را تسلیم نموده به قسمی میل دارند استنطاق کرده بعد بمحکمه مراجعه کرده مقصوم مجازات و الا رقع توهین از یک خدمت گذار صدیق ملت و مملکت بشود باز فرمودند اطلاعاتی من دارم که مشکلات کار شما را مغرین زیاد خواهند کرد و احتمال می رود فردا که سه شنبه است مجلس شورای ملی در باب شما مذاکره نماید لذا این قسم صلاح دیده اند امروز حرکت کنید اگر مجلس فردا سوالی کرد بگوئید شما قبلا مسافرت کرده اید و میل دارند استعفای از وکالت هم قبلا داده حرکت نمایند عرض کردم استعفای از وکالت نخواهم داد حالا که این قسم امر می فرمائید آقایان مشیرالدوله و مومنان - الملك را بخواهید همین فرمایشات و مذاکرات در حضور آنها بشود بدانند من حاضر برای محاکمه هستم اهلیحضرت و دولت اصرار در مسافرت دارند فرمودند مؤمن الملك نمی شود ولی مشیرالدوله را می خواهم و در حضور خودتان مذاکره بشود تلفن فرمودند مشیرالدوله شرفیاب شد ولی بدون اینکه در حضور بنده مذاکره بشود بعد از رفتن مشیرالدوله پیغام فرمودند که مشیرالدوله هم همین قسم صلاح می داند عرض کردم بنا بود در حضور من فرمایشات را بفرمائید فرمودند خود مشیرالدوله به ملاحظاتی مایل نشد مذاکره در حضور شما بشود این مذاکرات بشب سه شنبه کشید پیغام فرستادند حالا که این شب است بهتر این است فردا قبل از تشکیل مجلس حرکت کنید زیرا دولت صلاح نمی داند در موقع مجلس در طهران باشید صبح سه شنبه عبدالله خان امیر تومان رئیس قزاق گارد همایون ابلاغ نموده باید حرکت کنید و باز تکلیف دادن استعفای از وکالت را کرد جواب دادم حالا که مجبور در حرکت هستم اطاعت می کنم ولی استعفای از وکالت نمی دهم باتفاق یک صاحب منصب و چهار نفر قزاق مرا حرکت دادند بدون اینکه بگذارند با احدی ملاقات یا مذاکره نمایم تا همدان آوردند در آنجا تلگرافی از ریاست وزراء بحکومت واز وزارت جنگ بصاحب منصب مأمور رسید که مرا متوقف دارند تا دستور برسد دوز و یک شب در منزل نایب الحکومه ماندم تا عصر جمعه خبر دادند یک نفر یاور قزاق و چند همراهان وارد همدان شده صاحب منصب همراه را در خارج خواسته تعلیمات دادند که مرا طرف کرمانشاهان حرکت بدهند خود مأمور خدیو از جلو رفته بین راه منتظر خواهد بود بترتیب مقرر حرکت

کردیم وقت غروب در چند فرسخی شهر همدان بطرف کرمانشاهان در یک نقطه که یاور قزاق ایستاده بود نگاه داشته مرا احضار کرد تصور نمود شاید حکم قتل مرا دارد شهرت خود را گفته جلو رفتم وقتی که رسیدم گفت من حکم دارم استعفای وکالت را از شما گرفته روانه کنم من بنای استنکاف گذاشته اوتهدید کرد تا یکساعت از شب گذشته این مشاجره طول کشید بالاخره تصریح نمود که چاره ندارید و الا بتکلیف خود عمل خواهم نمود من هم مجبور به تسلیم در آن شب در میان صحرا بحضور یکمده قزاق مأمور شدم چراغی تهیه کرد با قلم و مرکبی مطابق مسوده که همراه داشت بتاریخ دهم میزان گفت تاریخ گذاشتم و کلمه یکمده مضمون استعفا را خواند نوشتم پس از گرفتن کاغذ مرا مرخص کرد بطرف کرمانشاه حرکت دادند امروز که دو شنبه است وارد بغداد شده این تلگراف را بر ریاست محترم مجلس شورای ملی و وکلای عظام نموده عرض میکنم این است اساس مشروطیت ایران و این است اجرای مواد قانون اساسی و هدایت مشارالملك

آقای میرزا علی کازرانی -

معنی آزادی - بنده خیلی تعجب میکنم ما می خواهیم قانون وضع کنیم برای محدود نمودن متصدیان جراید اما از آن طرف اشخاص که هزار گونه خنایه و خلاف قانون مرتکب میشوند باید وزیر باشند زمامدار باشند که باشند هیچوقت در تحت محاکمه نیایند این است زندگی این است معنی آزادی آنوقت اگر یک کسی در یک روزنامه بگوید من سند دارم که فلان زمامدار محکوم است کسی گوش بحرف او نمی دهد این است فجایی که در این مملکت واقع میشود و این مجلس یا دانسته و یا ندانسته تماشاچی و ناظر است آقایان ما آمده ایم حفظ حقوق جامعه ملت را بکنیم اگر نمی توانیم بهتر این است جامعه را تخلیه کنیم و برویم این چه ترتیب و چه شکلی است از برای زمامداری چندروزه همه دیدید چه بازیها در این شهر بر پا شد در این تلگراف به سه شخص اشاره میکند یکی شاه است که مذاکراتی کرده است و چون پادشاه مسئول نیست کار نداریم یکی دیگر نسبت میدهد که وزارت جنگ تأمین نامه نوشته است بنده تقصیر را متوجه وزیر جنگ هم نمیدانم چرا؟ برای اینکه آن نقشه که طرح شده بود آن نقشه در موضوع هر کس طرح میشد حق داشت برای مجبور بودن خودش اقدام بکند نقشه اینطور تهیه شده بود که یکمده اشخاص در صددند که من و نورا که وزیر جنگ هستی بکشند

این طبعی است وقتی يك نقشه جامع الاطرافی تهیه بشود انسان جایزالخطاه است و ممکن است برای حفظ خود متوسل به اقداماتی بشود باینجهت بنده او را مقصیر نمیدانم و آن اشخاصی را هم که گرفته بودند مقصیر نبود برای اینکه بعد از آن دستگیرها شد اگر حقیقتاً آنها ترور بودند چرا آنها را رها کردند؟ و چرا آنها را علناً محاکمه نمودند؟ این خودش دلیل این است که اثر آن نقشه متوجه بود که وزیر جنگ تأمین نامه میفرستد تقصیرات را بنده کاملاً متوجه قوام السلطنه میدانم برای اینکه میخواست چند صباحی رئیس الوزراء باشد بگمان اینکه مشارالملك مدعی او است این نقشه را تاراج کرد ولی چرا باید نقشه را طوری تهیه کند که یکمده بیگناه را هم بگیرند و دچار زحمت بکنند و توقیف بکنند و بعد فردای آنروز بگویند اشتباه کردیم این هم اصول زندگانی ما اگر بخواهیم معتقد بمجازات بشویم باید هیچ فرقی بین عالی و دانی نگذاریم قانون مجازات را باید بطور عموم برای کلیه طبقات وضع کنیم و عموماً طور که در اصل مقتضای محاکمه مطبوعات را منوط بحضور هیئت منصفه کرده و چون هیئت منصفه نیست ممکن است از حدود خودشان تجاوز بکنند و قانون برای آنها وضع می کنیم برای سایر طبقات هم باید قانون وضع کنیم و بقیه مردم بطل خود باقی باشند این شخص فریاد میکنند من بکافر ایرانی هستم حاضر مرا محاکمه کنند چرا محاکمه نشد؟ خوب فردا هم ممکن است برخلاف نظر يك شخص حرکت بکنیم بنده را هم در يك جایی بیندازند و هر چه داد بزنیم محاکمه کنند از محاکمه خبری نباشد آنوقت با این خیانت ها و این اصول بنده ناچار عرض میکنم این اصول مشروطیت و اصول آزادی و عدالت نیست و خوب است بدون سبب و جهت خودشان را گول نزنیم این اصول هر ج و مرج است و بالاخره باید حکومت را بقانون داد و فقط قانون در يك ملتی حاکم حقیقی است نه افکار و دماغ های شخصی بنده در همان اوقات بود این اطلاعات را داشتم که در موضوع اظهار اعتماد به ایشان در مجلس خصوصی استنکاف کردم آنوقت باین ترتیب آقایان در نقاط مختلفه که مشغول انتخابات هستند عوض دودست باهشت دست چسبیده.

آیا اختلاف آباد را تصور میکنند برای چیست

آقا سید یعقوب - قوام السلطنه خیلی خدمت کرده

قلوبین - خدمت کرده بانکرده فرقی نمی کند اگر کسی هزار شب نماز شب بخواند و روزه بگیرد و شبها تاصبح عبادت

بکنند اگر خطائی کرد باید مجازات شود. این خبر در بهاء است که شخصی تازه مسلمان شده بود خدمت حضرت رسول آمده بعد از دوزخ دزدی کرد او را گرفتند و خدمت حضرت آوردند عرض کرد دوزخ بواسطه اینکه تازه مسلمان بودم خیلی بمن احترام کردید امروز امر می کنند دستم را ببرند.

معلوم می شود اسلامش برای این بوده است خودش را محفوظ بدارد فرمودند من حکم خدا را جاری میکنم (ولو کانت بنتی فاطمه)

مسئله نیکی و خوبی و خدمت بجای خود من منکر نیستم اما از مسئله جنایت مسئله هریک و حرکاتیکه صریحاً برضد قانون اساسی و منافع يك ملت است نمیشود صرف نظر کرد

مستشار السلطنه - هنوز معلوم نشده

از طرف بعضی از نمایندگان هنوز معلوم نیست

(بعضی از نمایندگان همه نمیدانند) قلوبین - اجازه بدهید شما هر قدر داد و فدیاد کنید من اینجا می ایستم تا داد و فدیادتان تمام بشود من میگویم اینها اسناد است باوجود این تکلیف انتخابات سمرجان چیست؟ و باوجود این آقای قوام السلطنه تکلیفشان چیست اگر کسی بخواهد رسیدگی کند در کدام محکمه باید ایشان را جلب کند. مگر آنکه فردا بنده را هم مثل روزنامه اقدام به برند و بگویند تو فلان نسبت را داده و فلان کار را کرده

نایب رئیس - اگر آقایان اجازه بفرمائید جلسه را باید ختم کرد در خارج هم انشاءالله کمیسیون هارا معین بفرمائید آقا سید یعقوب - در این مسئله بنده اجازه خواستم.

نایب رئیس - نظامنامه دستور العملی داده است در آخر جلسه ایشان اجازه خواستند و اظهاراتی کردند ولی چون جزء دستور نیست حالا جای مذاکرات نیست.

(وزیر عدلیه برای نطق برخاستند)

نایب رئیس - آقای وزیر هم البته مذاکره نخواهند فرمود

وزیر عدلیه - موقع حرف زدن خودم را میدانم.

نایب رئیس - چون در این موضوع مذاکره نمیشود

وزیر عدلیه - فرق نمی کند بنده وظیفه خودم را میدانم.

آقای تدین در ضمن بیانات خودشان از محل و محکمه که باید رسیدگی کند سؤال فرمودند بنده که وزیر عدلیه هستم وظیفه ام این است که جواب بدهم البته هر وقت مدعی خصوصی اقامه دعوا نماید

مدعی المدوم هم قطع نظر از ادعای مدعی خصوصی اقامه دعوا خواهد کرد
نایب رئیس - جلسه را اگر آقایان اجازه بدهند ختم میکنم
دستور جلسه آتی

اولا بقیه مذاکرات در تفسیر اصل هتاد ونهم قانون اساسی

ثانیا - راپورت کمیسیون بودجه راجع بکابینه ریاست وزراء و راپورت کمیسیون عرایض راجع بتلگراف مشهد در باب مندرجات بعضی از جراید

مستشار السلطنه - مسئله را که آقای تدین فرمودند يك مسئله ایست که بدون سابقه بمجلس شورای ملی آمده و با کمال اهمیتی که از صدر تا ذیل این اسناد را دارد

بعضی از نمایندگان حرکت نمودند و شروع بخارج شدن نمودند
مستشار السلطنه - مجلس را رسمی کنید تا بنده عرایض خود را عرض کنم

آقا سید یعقوب - پیشنهاد کنید چاره دستور جلسه آتی بشود
نایب رئیس - عده برای رأی گرفتن کافی نیست در جلسه آتی صحبت خواهید کرد
جلسه آتی روز سه شنبه سه ساعت بغروب مانده خواهد بود

مجلس دوساعت از شب گذشته ختم شد

جلسه ۸۸

صورت مشروح مجلس يوم سه شنبه بیست و یکم حمل ۱۳۰۱ مطابق سیزدهم شعبان المعظم ۱۳۴۰

مجلس دوساعت قبل از غروب ریاست آقای مدرس نایب رئیس تشکیل گردید
صورت مجلس يوم شنبه ۱۸ حمل را آقای امیرناصر قرائت نمودند

نایب رئیس - شاهزاده محمد هاشم میرزا در صورت مجلس فرمایشی دارید
محمد هاشم میرزا - چون در صورت مجلس اسم بنده برده شده لذا عرض می کنم چون عقایدی که بنده عرض کردم عقاید شخص خودم تنها نبود عقیده کمیسیون را اظهار کردم و گمان می کنم لفظ مغیر فراموش شده خوب است بعد از محمد هاشم میرزا لفظ مغیر اضافه شود

نایب رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله

(اجازه)

حاج شیخ اسدالله - در صورت مجلس نوشته شده که بنده عرض کردم هیئت منصفه می تواند محکوم را تبرئه کند بنده هیچوقت هیچ عرضی نکردم

گفتم اگر دلائل جرم هم مکشوف باشد می تواند مجرم را تبرئه کند نه محکوم را و محکوم قابل تبرئه نیست
نایب رئیس - دیگر مخالفی نیست ؟
(گفته شد - خیر)

نایب رئیس - صورت مجلس با این دو فقره اصلاح تصویب شد قبل از این که داخل دستور شویم باید عرض کنم که چند فقره لایحه از طرف دولت رسیده يك فقره راجع بتمدید مدت توقف رؤسای دستگاه در ایالات و ولایات بکمیسیون فواید عامه ارسال می شود

تقاضای چهار هزار و چهارصد تومان اعتبار برای اضافه مخارج سته تغاقوی پیل وزارت عدلیه بکمیسیون بودجه ارسال می شود

دیگر تقاضای ۷۷۹۲ تومان اعتبار برای مخارج سیم کشی و تأسیس تلگرافخانه کردند و قره تو این هم بکمیسیون بودجه ارجاع می شود

لایحه دیگر تقاضای تصویب و برقراری پنجاه تومان شهریه در حق امام الحکماء عضو قدیمی وزارت عدلیه اینهم بکمیسیون بودجه ارجاع می شود

بموجب نظامنامه داخلی هیچ يك از اعضاء هیئت رئیسه نمی توانند ... (هیچ لازم نیست) دستور این جلسه مذاکره در راپورت کمیسیون عرایض و مرخصی راجع بمسیو دوبوا وغیره

شور در راپورت کمیسیون بودجه راجع ببودجه هذالسنه ایت تیل هیئت وزراء و بقیه مذاکرات در تفسیر اصل ۷۹ قانون اساسی

مذاکره در خصوص دو فقره راپورت کمیسیون عرایض و مرخصی راجع بمرحضی آقایان مقبل السلطنه و شاهزاده محمد هاشم میرزا مطرح است ولی قبلا يك فقره تلگراف از چهار روز رسیده است اگر اجازه بفرمائید قرائت شود

(آقای منتصر الملك بشرح ذیل قرائت نمودند)

کیه هیئت وزراء عظام کیه اتحادیه تجار محترم کیه جریده شریفه ایران توسط حضرت حجة الاسلام آقای معق العلماء ساحت مقدس دارالشورای کبرای ملی شیدالله ارکانه

موضوع قالی تلگراف وزارت چلبه فواید عامه رسیده است که نظر به ترقی آتی قالی عسور صد دوازده فقط بر قالی جوهری مقرر شده است

افسوس که توجهی بمرایض بی مرضانه تجار نمی فرمایند و عنقریب صادره مملکت بمرتبه صفر خواهد رسید وقتی ممکن است قالی ثابت تدارک نمود که متخصصین فنی و مدارس علمی دولت تشکیل دهد

جریده محترم ایران در شماره ۱۹۴ روزنامه خود می نویسد هشتاد کروم صادرات ایران از واردات آن کسر است در این صورت باید دولت تفریغ و سعی در تدارک کسر فرمایند بدیخانه از تسهیلات کاسه بر تظبیقات می افزاید

هیئت تجار منتظر و امیدوارند از نقطه نظر اقتصاد و حفظ تجارت داخلی مفاد تصمیم دولت را در اخذ عسور جدید الفاه و عموم تجار را از این نازل راحت فرمایند در صورت تعقیب تجار مایوس ورشته تجارت قالی کسبخته خواهد شد (مجمع تجارتخانه فارس در شیراز)

نایب رئیس - آقای ارباب کیخسرو راجع باین تلگراف فرمایشی داشتید ؟ اینک جزو دستور نیست

ارباب کیخسرو - بنده همین قدر خواستم عرض کنم که این قبیل تلگرافات که خوانده می شود خوب است يك نتیجه هم داشته باشد و بهتر این است که این مطلب را جزء دستور جلسه آینده بگذارید که در آن مذاکره شود و فقط بخواندن آنها اکتفا نشود

نایب رئیس - بسیار خوب مانعی ندارد جزو دستور جلسه آتی می گذاریم دو فقره راپورت مرخصی یکی راجع به مرخصی آقای حاج مقبل السلطنه و یکی راجع بمرحضی شاهزاده محمد هاشم میرزا قرائت می شود

محمد هاشم میرزا - مرخصی بنده بماند برای هفته دیگر

نایب رئیس - بسیار خوب راپورت کمیسیون راجع بمرحضی آقای حاج مقبل السلطنه قرائت می شود و رأی می گیریم (آقای امیرناصر بمضمون آتی قرائت نمودند)

دو فقره عریضه از آقایان شریعتمدار نماینده محترم کرمان و حاج مقبل السلطنه نماینده محترم خراسان در تقاضای مرخصی ۳ ماهه از مجلس مقدس بکمیسیون عرایض و مرخصی رسیده تقاضانامه فوق را در تحت مطالعه گذارده مرخصی آقایان فوق را کمیسیون دوم ماه تصویب می کند که از روز حرکت محسوب شود (حاج میرزا مرتضی مغیر کمیسیون)

نایب رئیس - مرخصی آقای شریعتمدار که تصویب شده بود چون در ضمن يك راپورت بود قرائت شد - نسبت بر راپورت کمیسیون یعنی در مرخصی آقای حاج مقبل السلطنه مخالفی نیست ؟ گفته شد خیر

کسانی که بار راپورت کمیسیون موافقت قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد - چون وزیر عدلیه تشریف نیاورده اند مذاکره

در تفسیر اصل ۷۹ قانون اساسی را می گذاریم باشد تا وقتی که تشریف بیاورند فعلا راپورت کمیسیون عرایض و مرخصی راجع بمسیو دوبوا قرائت می شود

هائری زاده - اجازه می فرمائید عرض میکنم که حضور وزیر عدلیه در این موقع لازم نیست چون مذاکره در لایحه پیشنهادی دولت که نسبت مذاکره در تفسیر قانون اساسی است و تفسیر قانون اساسی با خود مجلس است

نایب رئیس - عرض کردم چون وزیر عدلیه نیستند

آقا میرزا علی کازرونی - عرض می کنم حضور وزیر عدلیه در این جا هیچ مناسبت ندارد و اگر وزیر عدلیه هم باشد هیچ حق شرکت در مذاکرات را ندارد ... (بعضی گفتند - خیر خیر اینطور نیست حق دارد)

آقا میرزا علی کازرونی - بگذارید حرفم را بزنم - چون این لایحه ای نیست که از طرف دولت پیشنهاد شده باشد فقط دولت از مجلس مقدس تقاضا کرده که شما اصل ۷۹ قانون اساسی را برای ما تفسیر کنید و نتیجه اش را بگوئید دیگر دولت نباید شرکت در مذاکرات بکند بنابراین عرض می کنم حضور ایشان لازم نیست و اگر دفاع بکنند خارج از وظیفه شان است ... (بعضی گفتند خیر خیر)

آقا میرزا علی - بهر حال گمان نمیکند که شما بفرمائید بدون حضور ایشان مذاکره نشود

نایب رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - خاطر آقای کازرونی را مسبوق میکنم که اصل اشکالی که پیش آمده برای اجرای این اصل است یعنی برای وزیر عدلیه در اجرای این اصل اشکالی پیش آمده و بمجلس عرض کرده است حالا باید متقاعدش میکنم که این اصل بی اشکال است و قابل اجرا است یا بگوئیم که بلی صحیح میگویی و این اصل را تفسیر نمائیم پس در این صورت حضور خودش لازم است که با اشکالش رفع شود و با مجلس را متقاعد بکند

(گفته شد - صحیح است)

نایب رئیس - گردوسی (اجازه)

حاج شیخ محمد حسن - عرض می کنم در لایحه دولتی اهم از اینکه خود دولت حاضر باشد یا نباشد دفاع بکنند - اولاً مداخلت در تصویب یارد مجلس ندارد و این همچو مطلبی نیست که اینقدر ها

مورد مذاکره و بحث بشود ثانیا البته هر لایحه مربوط بهر کمیسویی که هست مغیر کمیسیون حاضر است و مدافعه میکنند و حضور وزیر شرط نیست که میگویند شاید نوهی شد که متقاعد شد یا نشد بهر حال این

مطلب صحیح نیست که مذاکره بماند تا ایشان تشریف بیاورند و خوب است با حضور مخبر مذاکره بشود.
نایب رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقا میرزا علی - بنده باز هم عرض خود را تجدید می کنم که دولت بمجلس پیشنهاد کرده که تفسیر این ماده را بمابگوئید پس بنا بر این هیئت دولت حق شرکت در مذاکرات را ندارد فقط در موقع وضع قانون آنها حق دارند دفاع کنند...

(بعضی اظهار نمودند

خیر اینطور نیست)

آقا میرزا علی - خیر اینطور است و چون تفسیر قانون اساسی باخود مجلس است نه بادولت اگر دولت حاضر هم باشد بنده حق نمی دهم که مذاکره بکنند.

رئیس التجرار - این عقیده شخصی است و عقیده دیگران اینطور نیست
نایب رئیس - چند نفر دیگر هم در این موضوع اجازه خواسته اند و آقای کازرونی هم همان فرمایش اولی خود را فرمودند دو مرتبه و سه مرتبه که نمیشود. یک لایحه است دولت پیشنهاد کرده یعنی همان طور که حضرت والا بیان فرمودند شاید در موقع اجرای این اصل باشکالات بر خورده اند باینجهت تفسیر آن را از مجلس خواسته اند حالا بایاید آقایان نمایندگان تفسیر را رد کنند یا به همان تفسیر قانع شوند پس حضور وزیر لازم که مدافعه بکند - (صحیح است) - اگر مخالفی نیست داخل در سایر مذاکرات دستور بشویم (مخالفتی نشد) - مذاکره در راپورت کمیسیون عرایض و مرخص راجع بمسئو دو بوا و غیره است.

آقای حاج میرزا مرتضی - (احضار برای قرائت راپورت کمیسیون)
(آقای حاج میرزا مرتضی مخبر کمیسیون عرایض راپورت فوق را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

چندی است متوالیاً تلگرافات متواتره متکثره از مشهد و سایر ولایات خراسان در خصوص مندرجات بعضی جرائد طهران راجع بمشغولی که شاهزاده محمد هاشم میرزا نمایند محترم خراسان در موضوع عملیات مسیو دو بوا از دولت نمودند بکمیسیون عرایض رسیده و کمیسیون عرایض برای استحضار خاطر محترم آقایان نمایندگان خلاصه تلگرافات واصله را بمعرض میرساند.

تلگرافی از مشهد از طرف جناب آقا شیخ حسن مجتهد کاشانی است که پس از تکذیب و تنفی از مندرجات روزنامه نهضت شرق و روزنامه سیاست و عملیات دو بوا اظهار میدارند که محرك اصلی اساس

انقلاب خراسان و باعث حقیقی تهرود کلنل محمد تقی خان و اتلاف نفوس و خساراتی که بردولت و ملت متوجه شده بود و بعد از قتل کلنل محمد تقی خان هم محرك اسمعیل خان شده که نقشه سابقه را بتوسط اوتعقیب و انجام نماید و اجمالاً او را یکی از عوامل مهمه انقلاب خراسان و در ردیف خائنین و متردین معرفی نموده و اخیراً تعقیب و مجازات نشدن مشارالیه را برای عبرت سایر مستخدمین داخلی و خارجی یکی از موجبات ظهور نظائراین وقایع شمرده اند ضمناً یاره از جزئیات وقایع ایام انقلاب خراسان و عملیات مختلفه او را قوضیعاً اسم برده که کمیسیون محض رعایت اختصار از تفصیل آن صرف نظر نماید

تلگراف دیگری از مشهد بمامضاء قریب صد نفر از طبقات مختلفه اهل اعلم و سادات و تجار و اعیان و منسوبین آستانه رسیده است که باضافه مطالب تلگراف فوق سکوت دولت را نسبت بظائنین موجب تجری آنها دانسته و دادن اسلحه دولتی را بتمردین و تصمیم طبع تبر و اسکناس دولتی و چند کروخسارت دولت و ملت را با اتلاف نفوس کهنه جزو عملیات مستقیم و غیر مستقیم اودانسته در ضمن اظهار امتنان از پیش قدمی شاهزاده محمد هاشم میرزا در سؤال از دولت و رسیدگی بمعملیات و محاسبات دو بوا و تعقیب و مجازات او را برای عبرت سایر مستخدمین و خائنین داخلی و خارجی از هیئت دولت تقاضا نموده و تنفر خود را از مشارالیه و اشخاصی که با او هم آواز بوده و هستند ابراز کرده اند

تلگراف دیگری از مشهد بمامضای چهل پنجاه نفر از طبقات حدیده اهالی است که با اشاره بسایر مطالب معروضه فوق خلاصه اظهارشان این است که بر فرض ما برادهای دو بوا مثل همکاران سابق با یکی خود باستفاده شخصی خود نپرداخته باشد این ادها وقتی قابل تمجید است که هایدات دولت را بمنافع مملکت مصرف کرده باشد در صورتی که نتیجه این مجامعت راجع به تقویت خائنین و متردین دولت بشود باید تصدیق کرد که این حسن خدمت را برای خیالات فاسده خود و سایر خائنین انجام داده اند نه برای دولت و اجمالاً از حامیان دو بوا اظهار نفرت نموده و کسانی را که بر ضد نمایندگان خراسان اقداماتی مینمایند دشمن خود و مملکت دانسته اند

تلگراف دیگری از تلگرافخانه مشهد بمامضاء رؤساء و طوایف هزاره و تیموری و بربری و بلوچ و قرائی و کردانی رسیده که با اغارة اجمالی بهایات های مسیو دو بوا و مخالفت دولت و انقلاب خراسان تقاضای تعقیب عملیات و محاسبات دو بوا و مجازات او و سایر اهوان کلنل محمد تقی خان و

اسمعیل خان را از دولت نموده اند و از جرائدی هم که از مشارالیه طرفداری و بنمایندگان محترم توهین می کنند اظهار تنفر نموده آنها را نماینده افکار خراسانیان نمیدانند

تلگراف دیگری هم از تربت بمامضاء آقایان آقا سید حسن مجتهد نجفی و حاج شیخ عبدالرضا مجتهد و آقا شیخ محمد کاظم و چند نفر دیگر از اعلام تربت حیدریه رسیده و همین قبیل مطالب را اجمالاً یاد آور و مخصوصاً از نبودن مجازات نسبت بظائنین و متصرفین از دولت اظهار یأس و شکایت نموده اند و تقاضای عطف توجه دولت را برای جلوگیری از توهین بمقامات نمایندگان محترم درخواست نموده اند

تلگراف دیگر بمامضاء صد نفر از طبقات مختلفه محترمین تربت و احزاب سیاسی تربت که با سایر مراتب اظهاریه دیگران و یاره از عملیات مخصوص دو بوا را هم از قبیل تشویق و تحریص و تقویت متردین و مسامحت مالی و غیره و خسارات گزاف دولت و ملت و خرابی های محلات اسم برده و جدأ تقاضای تعقیب او و جبران توهین نمایندۀ محترم را نموده اند

تلگراف بمامضای جمعی از طبقات مختلفه قوچان مؤید مطالب فوق است و اظهار قدردانی از شاهزاده محمد هاشم میرزا نمایندۀ محترم و تنفر از مسیو دو بوا و حامیان او نموده اند
تلگرافی از سبزوار بمامضاء طبقه از علماء و سایر محترمین مشعر بر اینکه بو کلا خراسانی خود عموماً و شاهزاده محمد هاشم میرزا خصوصاً اظهار اعتماد نموده و انتخاب آنها را در تحت تأثیر هیچ عاملی ندانسته و جرائد طهران را هم زبان ملت خراسان نشمرده و ضمناً خیانت ها و شرح عملیات مسیو دو بوا را مثل سایر تلگرافات اشاره و تصریح کرده اند

تلگراف از نیشابور بمامضاء قریب ۱۰۰ نفر از طبقات مختلفه محترمین نیشابور مثل باقی ولایات از نمایندۀ محترم و سؤال ایشان اظهار علاقمندی و قدردانی نموده و جبران توهینات وارده و حفظ مقامات نمایندگان و تعقیب و مجازات خائنین عموماً و مسیو دو بوا را خصوصاً خواستار شده اند

تلگراف دیگری از کون آباد بمامضاء جمعی از محترمین محل و اجمالاً مطالب دیگران را نسبت بشاهزاده محمد هاشم میرزا نمایندۀ محترم و دو بوا و حامیان او تأکید و تأکید نموده اند

کمیسیون عرایض احساسات وطن خواهانه اهالی ولایات و ایالات خراسان را نسبت بحفظ حیثیات و مراتب حق گذاری از نمایندۀ خود تمجید می نماید

نایب رئیس - آقای امین الشریعه

در موضوع راپورت فرمایشی دارید؟
امین الشریعه - بلی یک مختصر عرضی دارم
نایب رئیس - بفرمائید

امین الشریعه - بنده می خواستم یک مختصری در این موضوع عرض کنم ولی دیدم که واقعاً اهالی خراسان کاملاً اظهار قدردانی کرده و حق موکل بودن خودشان را بجا آورده اند

اگر بخوام در قسمت تمجید شاهزاده محمد هاشم میرزا چیزی عرض کنم گمان می کنم سایر آقایانی که در ادوار سابقه مجلس با ایشان بوده اند بهتر میداند که شاهزاده محمد هاشم میرزا حقیقتاً یک عنصر فعال متدین فاضل دانشمندی است و حقیقتاً مراتب حق گذاری را نسبت باعمال ایشان که موافق اصل وطن خواهی بود کرده اند و خدمتشان در عالم آزادی خواهی همه قسم قابل تقدیر است و گمان می کنم محتاج بمذاکره نباشد و کسانی که در ادوار سابقه با ایشان بوده اند کاملاً بهتر از بنده می دانند لهذا در این قسمت صحبت نمی کنم فقط از این جهة که عموم اهالی خراسان از هر محلی از محلات و یکی یکی بلوکان و طبقات شهر مشهد تمام اظهار قدردانی کرده بودند می خواستم عرض کنم که حقیقتاً معنای موکل همین است نظر باینکه وکیل نمایندۀ ملت است و حاکی از افکار ملت باید باشد ملت هم باید تظاهر به آن وکیل داشته باشد و اظهار قدردانی از وکیل خویش بکنند مثل ملت خراسان و بنده عقیده دارم که تمام اهالی ایالات و ولایات باید ازو کلاه خود همین طور اظهار قدردانی و پشتیبانی بکنند و البته در موقع خودش اظهار قدردانی هم خواهند نمود و بنده بنام مجلس از آقایانی که از شهرها و بلوکات و طوایف و ایالات اظهار اعتماد و قدردانی از یک نفر وکیل صحیح العمل خودشان کرده اند تقدیر می کنم

(گفته شد صحیح است)

نایب رئیس - آقای آقا سید فاضل (اجازه)

آقا سید یعقوب - شما بطرف دست چپ هیچ اجازه نمی دهید چهار مرتبه است که بنده اجازه خواسته ام

نایب رئیس - چرا اجازه نمیدهم - آقای آقا سید فاضل و آقای ارباب قبل از از شما اجازه خواسته اند. آقای آقا سید فاضل.

(اجازه)

آقا سید فاضل - حقیقتاً مقامات

شاهزاده محمد هاشم میرزا بر احدى مغفی و پوشیده نیست که یک عنصر فعال متدین دانشمند ادیبی است و گمان می کنم آنچه در توصیف ایشان گفته شود کم گفته شده

است و باید حقیقتاً خیلی اظهار قدردانی کرد از ملت خراسان و بلاد و توابع خراسان که این معنی را حس کرده اند و اظهار نگرانی از توهینتی که به حضرت والا شده کرده اند و همینطور که تقاضا کرده اند بنده هم خواهش می کنم بطوریکه باید و شاید جبران آن توهینات وارده بشود

نایب رئیس - اول آقای ارباب کیخسرو بعد آقای آقا سید یعقوب و حائری زاده

حائری زاده - بنده مخالفم

نایب رئیس - اصلش بنده در این رایورت مخالفت و موافقت را نمیدانم یعنی چه؟ که شما می فرمائید مخالفم

حائری زاده - الان عرض می کنم بطور مخالفم

مساوات - اصلاح جزو دستور مجلس بود یا نه؟

نایب رئیس - بلی جزء دستور است

مساوات - پس باید قبل طبع و توزیع شده باشد. رایورتی که طبع نشده بطور مطرح می شود؟

حائری زاده - اصلاً بنده نمیدانم که این قبیل مسائل چرا باید در مجلس بیاید. این مجلس جای اصلاح امور مملکتی است جای شکر گذاری نیست اگر مسیو دوبوا خیانتی کرده است البته دولت باید اقدام کند این کار را راجع بدولت است و اگر راجع بمجلس هم باشد باید دولت پیشنهاد کند نه اینکه يك تلگراف غیر رسمی بیاید بمجلس و ما وقت خودمان را صرف آن کنیم.

تصور نشود که من مخالف با حضرت والا هستم خیر اسلام با این قبیل رایورت ها مخالفم که وقت خودمان را صرف این قبیل کارها بکنیم و تلف نماییم

مخبر - بنده از فرمایشات آقای حائری زاده تعجب می کنم که يك مجلسی که یک نفر نماینده محترم راجع به خیانتی که یک نفر مستخدم دولت کرده سؤال میکنند آنوقت این مسئله را روزنامهجات تعقیب می کنند و يك نسبت هائی می دهند پس از آن از طرف اهالی خراسان اظهار قدردانی و تشکر از اقدام و کبیل خود میشود و واقع آنچه را که نماینده خودشان سؤال کرده است تصدیق نموده و از آن سؤال تمجید می کنند.

آقا می فرمایند چرا این قسم مطالب را در مجلس مذاکره می نمایند؟ پس در کجا باید مذاکره بشود؟

اولاً چون این تلگرافات راجع به سئوالاتی بود که شاهزاده محمد هاشم میرزا فرمودند و کمسیون هم ناچار بود که رایورت این تلگرافات را برای اطلاع آقایان بمجلس بدهد تا نمایندگانی که اینجا هستند و این مطالب را استماع میکنند و روزنامهجات را

هم می خوانند بدانند که این جرایبی که این اباطیل را می نویسند نماینده افکار عامه مردم نیستند و بی ربط می نویسند و عامه مردم خراسان از نماینده خود تشکر کرده اند و بنده هیچ مانعی نمی بینم که این رایورت در مجلس مطرح مذاکره شود بلکه بنده برخلاف عقیده آقای حائری زاده لازم می دانم که این قسم مطالب در مجلس بیاید و مطرح مذاکره شود تا اسباب تشویق سایر آقایان نمایندگان بشود که هر وقت هر کس خیانت می کند او را تعقیب و مجازات او را از دولت بخواهند

نایب رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - بنده حقیقتاً این دقیقه هنوز نفهمیده ام که این رایورت چه بود؟ فقط از طرف مقام ریاست عنوان شد که رایورت کمسیون هرا یض و مرخصی راجع بمسیو دوبوا جزء دستورات و اینجا گفته می شود که مسیو دوبوا خیانت کرده است باید دولت این مطلب را تشهیم بدهد اگر واقعا خیانت کرده او را مجازات برساند و مجازات او البته اینقدر کفایت نمی کند که از شاهزاده محمد هاشم میرزا تشکر و اظهار قدردانی شود.

در عوض این مذاکرات خوب است از دولت جداً تعقیب این مسئله خواسته شود و آنوقت از هر کسی که باید تشکر شود تشکر بشود و هر کس هم باید بمجازات برسد مجازات شود

مخبر - غرض از این رایورت هم همین مسئله بود که آقای ارباب فرمودند پس از دولت درخواست شود که او را تعقیب کرده و بعملیات او رسیدگی کنند و اگر خیانت کرده است مجازات بشود

نایب رئیس - اگر آقایان اجازه می دهند (چون خیلی از آقایان اجازه خواسته اند و وقت تنگ است) مذاکرات باین دو کلمه ختم شود که مقصود از این رایورت این است که يك و کبیلی در يك موضوعی سئوالی کرده است و نسبت بآن سؤال در جرائد چیزی نوشته بودند که این مطلب سبب میشد که هیچ و کبیلی نتواند از وزیر در يك موضوعی سؤال کند پس باید متنبه شوند که بعد از این اینگونه صحبتها و اقدامات نشود و اهالی خراسان از و کبیل خودشان اظهار قدردانی و تشکر کرده اند و حالا همانطور که فرمودند باید دولت در صدد برآید که مسیو دوبوا را تعقیب نماید و اگر اجازه بفرمائید دیگر مذاکرات در این موضوع ختم شود

(گفته شد صحیح است)

نایب رئیس - بودجه ریاست وزراء

مطرح است
مخبر کمسیون بودجه - در رایورت کمسیون بودجه که طبع و توزیع شده و از نظر آقایان گذشته در ماده پنج این يك قلم

افتاده که ماهی ۳۰ که در سال ۴۲۰ تومان می شود در حق یک نفر تلگرافچی حضوری منظور شده است و از قلم افتاده باید در شرح ماده ۵ اضافه شود آنوقت ماده ۵ میشود سه هزار و چهارصد و شصت تومان و جمع کل لایحه ۴۴۷۲۰ تومان است این قسمت را باید تصحیح بفرمائید

نایب رئیس - ماده اول قرائت می شود.

(آقا امیر ناصر قرائت نمودند)

بودجه سال ایت ثیل ۱۳۰۱ ریاست وزراء عظام

ریاست وزراء عظام - مبلغ ماهیانه هزار و پانصد تومان

مخبر - اجازه می فرمائید خودم بخوانم

نایب رئیس - بفرمائید

آقا میرزا هاشم آشتیانی - مگر در کلیاتش شور نمی شود؟

نایب رئیس - چرا آقای اقبال -

السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - بنده در کلیات مرضی ندارم

(اغلب اظهار نمودند که کلیاتی ندارد)

نایب رئیس - در کلیات مخالفی نیست؟

(گفته شد - خیر)

نایب رئیس - واره می شویم در شور

آقای اقبال السلطان

اقبال السلطان - در مبلغی که از برای رئیس الوزراء و معاون رئیس الوزراء معین شده مخالفتی ندارم ولی برای معاون رئیس الوزراء نوشته شده سیصد و هفتاد و پنج تومان موجب و بیست و پنج تومان کمک خرج و در حاشیه یا در توضیحات او نوشته شده (برای معاون فعلی) و معلوم نیست این بطور است که بمعاون دیگر داده نمی شود؟

(اغلب گفتند بلی اینطور است)

و من با این ترتیب مخالفم که مواجب یا مدد معاش برای شخص معین داده شود هر کس آن شغل را متکفل می شود آن حقوق را باید بگیرد دیگر باین معاون بدهند و بآن دیگری ندهند بنده نمی دانم یعنی چه؟ لابد هر کس معاون ریاست وزراء می شود باید لیاقت این شغل را داشته باشد درخور آن مقام باشد و هر کس که این مقام را حائز می شود باید همین حقوق را داشته باشد و اختصاص دادن این بیست و پنج تومان به یک نفر معاون فعلی بمنوان مدد خرج گمان می کنم خوب نباشد اگر می دهند به همه بدهند و اگر نمی دهند اصلاً ندهند

مخبر - چنانچه در بودجه ریاست وزراء عظام ملاحظه بفرمائید از برای معاون ریاست وزراء پانصد تومان شهریه معین کرده

بودند ولی کمسیون از روی يك اشلی که تقریباً در نظر گرفت از برای وزراء ماهی هفتصد و پنجاه تومان و برای معاون رئیس الوزراء نصف حقوق آنها را در نظر گرفت بعد از مرتب شدن این اشلی يك کمک خرجی از طرف ریاست وزراء برای معاون فعلی درخواست شد و در کمسیون پس از مذاکره زیاد تصویب شد که ۲۰ تومان کمک خرج بمعاون فعلی داده شود و الا برای حقوق این مقام همان سیصد و هفتاد و پنج تومان را شهریه معین کرده اند و این ۲۰ تومان برای معاون فعلی است.

نایب رئیس - آقای کارزانی

مخالفید؟

آقا میرزا علی - بلی مخالفم

نایب رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب و حائری زاده و آقا سید یعقوب هم

مخالفند؟

آقا سید یعقوب - باید آقای کارزانی حرف بزنند چون مخبر که دفاع کردند

باید يك مخالف حرف بزنند

نایب رئیس - صحیح است - بفرمائید

آقای کارزانی

(اجازه)

آقا میرزا اعلی - بنده هم با حقوق

رئیس الوزراء و هم با حقوق معاون مخالف هستم و نمی فهمم چرا رفعت مقام باید مستلزم این باشد که حقوق هم برای آن بیشتر باشد

می بینم برای یک نفر وزیر ماهی ۷۰۰ تومان برقرار شده و در همان حال برای ریاست وزراء هزار و پانصد تومان آیا اینطور

در نظر گرفته اند که مضارح ریاست وزراء بیشتر است یا واردات و صادراتش زیاده تر است؟ یا اینکه ریاست وزرانی رتبه عالی است؟ مقام ریاست وزرانی که باید يك شخص شرافتمندی برای رسیدن بان مقام همه طور فداکاری کرده باشد آیا مستلزم اینست که يك حقوق گزاف هم داشته باشد

بنده از آقای مخبر سؤال می کنم که آیا این اضافه حقوق برای اینست که مضارحش زیاده تر است؟ یا اینکه لفظ ریاست وزرانی مستلزم این است که حقوقش زیاده تر باشد

اگر اینطور باشد بنده مخالفم و اگر حق اول هم باشد باز بنده مخالفم که مضارح او زیاده تر است و راجع بمعاون هم از زمان وثوق الدوله این مسئله اختراع شد قبل از

زمان وثوق الدوله عنوان معاونی در کار نبود فقط يك رئیس کابینه بود و حالا هم گمان می کنم همین رئیس کابینه قناعت کنیم و

همانطور که سایر وزارتخانه ها برای مضارح يك تخفیفاتی قائل شده اند مقام ریاست وزراء هم این کار را بکنند و این قلم را حذف کنند بهمان رئیس کابینه اکتفا

کنند.

نایب رئیس - آقای حاج

میرزا عبدالوهاب و آقای حائری زاده
مخالفتند ؟

حائری زاده - بلی مخالفم
نایب رئیس - آقای آقا سید
یعقوب چهارم ؟

آقا سید یعقوب - بنده موافقم
نایب رئیس - بفرمائید
آقا سید یعقوب - آقای آقا

میرزا علی نماینده محترم فارس می فرمایند
که چرا شخصی که دارای این شغل شد
این مواجب را باریکند و این مواجب دادر
مدار شخصیت است یا مقام ؟ بنده عرض
می کنم آقا این چیزهایی که شما می فرمایید
هنوز در این مملکت نمی خود اینطور
رفتار کرد

مملکت ما ایران است ؟ با شرافت و
عظمت است صدراعظم و رئیس الوزرائش
خیلی محترم است رئیس الوزرائی مملکت
ایران شخص اول مملکت است و یک تعبدات
و تکلفاتی دارد که باید بآنها عمل کند باید
مملکت را اداره کند در صورتیکه یک
رئیس الوزرائی هزار و پانصد تومان اکتفا
بکند باید خیلی متون باشیم که مملکت ما
را اداره می کند و این مبلغ زیادی نیست
برای اینکه مایول می دهیم و کار می خواهیم
شما هم توجه بکار داشته باشید والا پول
دادن چیزی نیست

ولی بنده سوال می کنم که این
رئیس الوزرائی که دارای هزار و پانصد
تومان حقوق است اگر یک وزارتخانه دیگر
را هم کفالت کرد آیا با حقوق رئیس الوزرائی
حقوق آن وزارتخانه را هم می گیرد یا نه ؟
اگر می گیرد بنده با این مطلب مخالفم و
نباید حقوق وزارتخانه دیگر را ببرد والا
هزار و پانصد تومان برای ریاست وزراء با
این کارها که در مملکت هست زیاد نیست
و معاون هم لازم دارد چون هر وزارتخانه
هر اداره یک نفر معاون دارد البته رئیس الوزرا
هم معاون لازم دارد

رئیس الوزرائی که شخص اول مملکت
است و مسئولیت مملکت متوجه او است و
تمام سرو کارهای مختلفه با او است ما نمیتوانیم
بگوئیم این بودجه برای او زیاد است و
شما هم البته تصدیق می فرمایید که در این
مملکت که لفظاً می گوئیم تقسیمات معین
شده و از برای هر کاری شخصی را معین
کرده ایم معذالك عملاً کارها تقسیم نشده
است و اگر یک رئیس الوزرائی وارد شوید
می بینید که از اول آفتاب تا ساعت پنج از شب
رفته مشغول کار است و غالب تلکرافاتی که
راجع بوزارتخانه های دیگر است باز متوجه
بشخص رئیس الوزراء است و بالاخره ما
باید مقام او را خیلی عالی نگاه داریم و باید
خیلی به میو رئیس الوزرائی اهمیت بدهیم
و در این قبیل کارها ایراد نکنیم تا کاپوش
برود و این حقوق برای این رئیس الوزراء

زیاد نیست و معاون هم لازم دارد زیرا
رئیس الوزرا کمتر از یک وزیر نیست و ناچار
باید معاون داشته باشد

نایب رئیس - آقای حاج میرزا
عبدالوهاب

(اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده
در هر دو جز ماده عرض دارم.

اولا راجع بحقوق ریاست وزراء این
از دو صورت خارج نیست اگر رئیس
الوزراء از اشخاص طبقه اول و ثروتمندان
باشد در این موقع که مملکت مای فقیر است
و باید برای هر جزئی برویم پیش از اجانب
دستمان را دراز کنیم و پول قرض کنیم آن
وقت بیاوریم باین اشخاص که همه طور
توانائی و دارائی دارند بدهیم اگر
قدری کمتر بگیرند هیچ طور نخواهد شد.
اما اگر از طبقه اول نباشد و از ثروتمندان
نیست گمان می کنم که باز خرجش اینقدرها
نباشد که ماهی هزار و پانصد تومان خرج
داشته باشد.

و راجع بمعاون هم بنده نمیدانم معاون
شغلش چیست ؟ معاون آیا شغلش این است
که اگر وقتی رئیس الوزراء نباشد قائم
مقام او باشد ؟ یا اینکه چنین قانونی در
مملکت ما هست که اگر رئیس الوزرائی
استعفاء داد یا غایب بود معاون سکارهای
او را اداره کند ؟ که چنین چیزی نیست
پس معاون معنی ندارد که بی خود خرج
تراشی کنیم و در آخر سال محتاج بشویم
برویم دستمان را پیش اجانب دراز کنیم و
مملکت مان را بگزاریم بنده هیچ
عقیده ندارم.

مخبر - اولاً آقای آقا سید یعقوب
فرمودند این حقوق برای مقام است یا
برای شخص ؟

البته حقوق برای مقام است برای هر يك از
وزراء ماهی هفتصد و پانجاه تومان معین شده
و از بعضی رئیس الوزراء دو مقابل وزراء
معین شده و البته مقام ریاست وزراء هم
يك خرجهای فوق العاده دارد و بملاوه
مسئولیت بیشتر متوجه ایشان است و البته
باید حقوق ایشان بیشتر باشد اما اینست که
آقای حاج میرزا عبدالوهاب فرمودند
بایستی از اجانب قرض کنیم و به آقایان
بدهیم و خوب است بعضی آقایان که ثروت
دارند این حقوق را نگیرند اساساً مسئله
ثروت و عدم ثروت در کار نیست ما نمیخواهیم
مقامات را مخصوص بیک اشخاص معینی
بکنیم که آنوقت بگوئیم چون این شخص
دارای ثروت است کمتر حقوق بگیرد
هر کس این مقام را حائل شد خواه متول
باشد خواه غیر متول باید این حقوق را
بگیرد و اگر بخواهیم مقامات را با اشخاص
دارا اختصاص بدهیم گمان می کنم برخلاف
مرام همگی باشد و البته نباید اختصاص
باشخاص معین داد بملاوه سابق حقوق رئیس -

الوزراء زیاد تر از این مبلغ بوده و از
طرف کمیسیون ملاحظاتی شد و آنچه
باید کسر شود کسر شد ولی چون کار
رئیس الوزراء زیاد است یک نفر معاون
برای او لازم است و وجود معاون فقط
این نیست که اگر يك روزی رئیس الوزراء
استعفا داد آنوقت جای او بنشیند معاون
برای کمک کردن رئیس الوزراء است مثلاً
ملاحظه بفرمائید امروز رئیس الوزراء کارهای
وزارتی و خارجی دارد البته يك معاونی
لازم است کارهای ولایات را بکند و
جواب تلکرافات و مستکوبات را بدهد و
آنچه لازم بود در اینخصوص از طرف
کمیسیون بودجه تحقیق و دقت شده از حیث
حقوق هم آنچه باید کسر کند کسر
کرده است . از حیث عده و افراد هم آن
چه لازمه صرفه جوئی بوده اقدامات شده
و گمان می کنم بیش از این لازم نیست
حرف زد .

نایب رئیس - آقای حائری زاده
مخالفتند ؟

حائری زاده - بنده در آن موقع
که بودجه اعتباری از مجلس میگذشت
عرض کردم این اعتبارات که بطور کلی
بآقایان وزراء داده می شود آن ها اشخاص
ضیفی که حقوق جزئی دارند از ادارات
بیرون می کنند و اشخاصی که حقوق زیاد
دارند باقی میگذارند و ما برای تقلیل خرج
لازم نیست صد نفر یا هزار نفر منشی و
ضباط و ثبات که ماهی پانزده الی ۲۰ تومان
حقوق دارند بیرون کنیم و از کار بیکار
کنیم بلکه همین قلمهای درشت را باید
اصلاح کرد .

آقای رئیس الوزراء یا معاونان یا
سایر وزراء وقتی حقوق کمتر بگیرند
چندان لطمه بآنها وارد نمی شود ولی آن
جزء ضعیف دولت که يك حقوق جزئی
دارد اصلاح حقوق او را بین خواهد رفت
و امروزه اغلب کسانی که متصدی این امور
میشوند متول هستند و وقتی ماهی صد یا
دویست تومان کمتر بگیرند خرابی و
آبادی زیادی برای آن ها نیست ولی
برای مستخدمین جزء خیلی خرابی و آبادی
دارد باین نظر بنده با اینطور بودجه
موافق نیستم و بملاوه رئیس الوزراء بیشتر
از اوقات يك کرسی وزارت را اشغال می
کند يك مبلغی هم از اجابات آن یست می
گیرد .

اگر چه این برخلاف عقیده من است
ولی چون شور اول این مسئله از مجلس
گذشت که اگر کسی مقام پائین تری را
اشغال کرد فلان مبلغ استفاده کند باین
نظر من حقوق ریاست وزراء را زیاد می
دانم و معاون رئیس الوزراء هم اگر سابقه
نداشته است و برای شخص کار درست

کرده اند .
يك کار زیادی است کارهای اداری
رئیس الوزراء را رئیس کابینه ممکن است
تکفل کند و دیگر معاون مخصوص لازم
ندارد .

نایب رئیس - آقای ارباب کیخسرو
مخالفتند ؟

ارباب کیخسرو - خیر بنده در
طریقه تصویب بودجه عرض داشتم چون
دیدم آقای مخبر در جزئیات این بودجه
داخل شدند لذا بنده عرض می کنم این طریق
تصویب بودجه نیست و باید مواد کلی که
در فوق نوشته شده است خوانده شود مواد
جزئی که نوشته شده است برای استحضار
خاطر آقایان نمایندگان است و الا اگر
بناباشد فردا بودجه هر وزارت خانه بیاید
و بخواهند در جزئیات بودجه هر وزارتخانه
صحت کنند وقت خیلی زیاد می خواهد .

باید در کلیات هر ماده شور کرد
هر کس با مواد موافق است موافق
است و هر کس موافق نیست پیشنهاد می
دهد حذف شود یا فلان مبلغ کسر شود
و الا این ترتیب وقت را تلف می
کند .

نایب رئیس - آقای دولت
آبادی .

(اجازه)

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی
بنده از آقای مخبر سئوالی داشتم که آیا
این اصلی را که نسبت بمعاونین اتخاذ
کرده اند بطور کلی اسد یعنی کلیه
معاونین دارای این حقوق هستند یا فقط
راجع بهمین معاون است چون اول دفعه
است که بودجه بمجلس می آید و ما باید
اصلی اتخاذ کنیم که معاونین تماماً در
يك حدود و روسای کابینه ها همه در يك
حدود باشند و در رستم بینیم در میان
این ملاحظه کرده و نسبت بشما معاونین
این حقوق را معین کرده یا فقط برای
معاون رئیس الوزراء این مقدار معین
شده .

مخبر - برای معاونین وزارتخانه
هایك ادله دیگری اتخاذ شده است و ما بین
معاون رئیس الوزراء و معاونین وزارتخانه
ها یک قدری تفاوت گذاشته شده برای
تمام معاونین وزارتخانه ها همانطور که اظهار
فرمودید اصل معینی اتخاذ شده است
و در بودجه ها منظور می شود لیکن معاون
رئیس الوزراء با سایر معاونین مختصراً
تفاوتی دارد .

نایب رئیس - آقای حاج میرزا
مرتضی .

(اجازه)

(اضربودند)

نایب رئیس - آقای آقا سید
فاضل .

(اجازه)

آسیدفاضل - بنده موافق کسی مخالفت نکرده است .

نایب رئیس - آقای دولتی آبادی (اجازه)

حاج میرزا علی محمد - بنده بکفایت از سؤال را عرض کردم ولی قسمت دیگر هم اینست بطوریکه آقای حائری زاده و آقای آسید یعقوب اشاره فرمودند در صورتیکه رئیس الوزراء يك وزارت خانه را هم اشغال کند بموجب آن قانونیکه شور اولش از مجلس گذشت سه حقوق باید داده شود یکی برای شغل خود رئیس الوزراء یکی هم برای کفالت آن وزارت خانه و نصف از حقوق وزیر را هم به آن معاونی که کفیل است باید داد .

بنا بر این بنده عقیده ام اینست که در اینجا اضافه شود که اگر رئیس الوزراء وزارت خانه دیگری را اشغال کرد نباید آن حق را بگیرد یا آن که نصف آن حقوق گرفته نشود .

مخبر - آقای دولتی آبادی فرمودند رئیس الوزراء سه حقوق میگیرند . خبر این طور نیست فقط برای مقام ریاست وزراء هزارو پانصد تومان حقوق معین کرده اند و اما اگر يك وزارتخانه دیگری را هم قبول کنند مطابق آن چه از مجلس گذشته است رفتار خواهد شد .

در باب کفیل آن وزارت خانه هم که فرمودند نصف حقوق وزارت را خواهد گرفت .

عرض میکنم در صورتیکه رئیس - لوزراء وزیر باشند معاون حقوق اضافه در یافت نخواهد نمود و همان حقوق معاونت ادرا یافت خواهد کرد .

نایب رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله موافقید ؟

حاج سید اسدالله - بلی

نایب رئیس - آقای آفا سید

(اجازه)

آقا سید فاضل - بنده هم

نایب رئیس - آقای حاج میرزا

حاج میرزا مرتضی بنده در يك

نایب رئیس - بفرمائید .

حاج میرزا مرتضی - اولاً بنده را بودجه شخص رئیس الوزراء عرض ندارم بنده را بعضی از آقایان فراموش عرض بنده راجع به معاونت رئیس الوزراء است و این معاونت بطوری که از زمان وثوق الدوله معین شده

و همانطور که آقایان فرمودند وجود معاون وقتی لازم است که وزیر نباشد و موافقی که وزیر باشد معاون کاری ندارد هیچ وقت هم نمی شود رئیس الوزراء نباشد .

ثانیاً حقوق زیادی را که بنام معاون فعلی قرار داده اند نمی دانم چه صورت دارد ؟

اگر شهریه است باید در جزو مستمریات منظور شود و اگر شهریه نیست و چیزی است که اختصاص بشخص دارد حقوق معاون يك چیزی نیست که مفتش بيك شخص معینی باشد هر کس دارای آن مقام شد آن حقوق را باو می دهند دیگر دلیل ندارد که چون این شخص معاون است ما این اضافه را بدهیم و اگر این شخص نبود آنوقت کمتر بدهیم لذا این فقره فعلی و این دست تنگی مملکت بنده مخالفم که اینقدر حقوق به معاون بدهند و اصلاً وجود معاون را برای ریاست وزراء لازم نمی دانم و عقیده ام است که حذف شود **نایب رئیس** - آقای حاج شیخ اسدالله .

(اجازه)

حاج شیخ اسدالله - باین ترتیبی که نسبت به هر قلمی مذاکره می شود که اگر نسبت به هر يك از اقلام بودجه های مملکت اینقدر مذاکره شود ما کمی می توانیم نتیجه بگیریم و آن هارا بگذرانیم این بودجه دارای چند ماده معین است و راجع به هر ماده بایستی مذاکراتی بشود و رای گرفته شود .

اما نسبت بكمك خرج معاون ریاست وزراء من نمی فهمم مذاکرات آقایان چه مناسبتی دارد؟ اینجا عنوان شهریه نیست كمك خرج است كمك خرج و اندامینه هم چیزی است در همه جای دنیا معمول است این منحصر بما و این مملکت نیست معاون رئیس الوزراء رانمی شود گفت سیصد و هفتاد و پنج تومان کمتر حقوق داشته باشد و نمی توان گفت برای يك شخص که يك خدماتی کرده است سیصد و هفتاد و پنج تومان شاید کفاف مخارج او را نکند بیست و نه تومان اندامینه قرار ندهند و نمیشود گفت .

رئیس الوزراء يك مملکت کمتر از هزارو پانصد تومان بگیرد . بعضی از آقایان می فرمایند رئیس الوزراء متمول هستند مگر شما بشمول اشخاص نظر دارید ؟ برای مقام يك حقوقی معین می کنید ممکن است يك وقتی يك شخص را برای ریاست وزرائی معین نمایند که هیچ دارای ثروت نباشد .

ما بودجه برای مملکت می نویسیم واره در اشخاص نمی شویم که فلانی دارا است یا نیست ؟ بنده این مذاکرات را به چوچه مربوط بودجه نویسی نمی بینم

و دیگر توضیح دادن هم لازم ندارد زیرا توضیح واضحات است برای رئیس الوزراء باین ترتیبات امروزه انصافاً هزارو پانصد تومان زیاد نیست و معاون رئیس الوزراء را هم نمی شود گفت کمتر از سیصد و هفتاد و پنج تومان حقوق داشته باشد و بنده پیشنهاد می کنم که مذاکرات کافی باشد و اگر آقایان مخالف نیستند خوب است مذاکرات را ختم کنیم

نایب رئیس - خیلی از آقایان اجازه خواسته اند اگر مذاکرات کافی است ماده قرائت می شود و رای می گیریم **حاج میرزا عبدالوهاب** - اجازه بنده جواب آقای حاج شیخ اسدالله را بدهم .

نایب رئیس - ده نفر قبل از شما اجازه خواسته اند و فتره پیشنهاد شده است قرائت می شود

(پیشنهاد آقای نظام الدوله بمضون ذیل قرائت شد)

(مقام ریاست مجلس مقدس شورای ملی دامت شوکت)

این بنده پیشنهاد می کنم که از حقوق رئیس الوزراء کم نشود ولی ماده واحده ذیل تصویب گردد :

رئیس الوزراء - چنانچه بستی را اشغال کرد حق اخذ حقوق آن وزارت خانه را ندارد

(نظام الدوله)

نایب رئیس - آقای نظام الدوله توضیحات خودتان را بفرمائید

نظام الدوله - گاهی اتفاق می افتد که موقعیت شخص رئیس الوزراء تصدیق خواهد کرد که پست يك وزارتخانه مهم را قبول نماید نمی توان او را از نظریه خودش معزوم کرد ممکن است يك رئیس الوزراء متخصص در يك امر سیاسی باشد که اشغال آن پست برای او لازم باشد و وقتی يك پستی را اشغال کرد بواسطه داشتن يك ترتیبات لایقی می تواند نظریات خودش را بموقع اجرا بگذارد و از نقطه نظر اقتصاد مملکت هم هزار تومان یا هفتصد و پنجاه تومان که برای يك وزیر معین می شود بمنفعت مملکت مصرف می شود و آقایان باید تصدیق کنند که مقام را در عنوان کسر بودجه نباید ضایع کرد موقعیت مملکت و دولت مقام مهمی است وقتی نباشد اشخاص را بجنبه كوچك بپذیریم و نظریه ما این باشد که بگردیم يك رئیس الوزرائی پیدا کنیم که با ما همی صد تومان مملکت را اداره کند .

اهم از اینكه لایق باشد یا نالایق اهم از اینكه موقعیتش خوب باشد یا نباشد فقط فقط بنام اینكه ماهی صد تومان بگیرد ما او را معین کنیم البته مملکت در سایه يك

همچو نظری اداره نمی شود و هزارو پانصد تومان هم از برای يك رئیس الوزرائی که در مقابل آن هزارو پانصد تومان مزدور اجتماع است و باید انجام وظیفه و خدمت کند زیاد نیست و اگر انجام وظیفه و خدمت کند عقیده بنده این است که بیش از هزار و پانصد تومان بمملکت حق خواهد داشت ما باید در تشکیلات مملکتی سعی و کوشش کنیم که عایدات مملکت را زیاد کنیم و آنقدرها در قلت خرج نظری نداشته باشیم .

بنده عقیده ام این است بر فرض اینکه هزار تومان از یکجائی کسر کردیم و در مقابل پنجاه هزار تومان تبذیر کردیم آیا چه فایده خواهد داشت؟ اگر ما عایدات خودمان را جمع آوری کنیم و در ضمن هم باشخاص لایق حقوق مکفی بدهیم و از پرتو آنها استفاده کنیم البته بهتر خواهد بود تا فقط بنام فلاکت و نكس بودجه بخواهیم این مقاصد را اجرا کنیم

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم نظر آقای نظام الدوله و پیشنهادی که فرمودند نسبت بوحثت حقوق رئیس الوزراء در موقع تقبل مقام وزارتخانه دیگر يك قدری مقایر باصول دموکراتیک متضاد در دنیا باشد .

زیرا قطع نظر از مقام باید گفت

هر مقامی يك مزدی دارد اهم از كوچك و بزرگ هر کس زحمت می کشد باید مزدی بگیرد و این يك اصل مسلمی است که باید معتقد باشیم و بروی آن حکار کنیم این ترتیبی که آقای نظام الدوله پیشنهاد فرمودند هم عیب اساسی دارد و هم از نقطه نظر صرفه جوئی عیب دارد .

اما از نقطه نظر اساسی عیبش این است که الزام میکنید يك شخص را که کارمجانی کند اما عیب صرفه جوئی آن این است که وقتی يك رئیس الوزرائی دید که در مقابل يك کار و دو کار يك مزد خواهد گرفت قهراً مایل نیست دو کار را عهده دار شود آنوقت يك شخص دیگری متکفل آن مقام می شود آنوقت چه خواهد شد ؟ آنوقت حقوقی که برای او معین می شود با حقوقی که رئیس الوزراء برای آن مقام میگیرد مطابق قانون تفاوت خواهد داشت و همیشه ضرر خزانه دولت است و ثانیاً وحدت عملی که لازمه توأم کردن دو مقام است از بین میرود .

مثلاً اگر امروز وضعیت مملکت يك طوری باشد که رئیس الوزراء وزیر داخله هم باشد آنوقت زحمت مردم و ادارات کمتر خواهد بود ولی اگر وزیر دیگری داشته باشد ادارات دو زحمت خواهند داشت مثلاً حکام که رایورت می دهند باید دو رایورت بنویسند و از دو وزارتخانه جواب بآنها بدهند و این زحمات اسباب عدم حسن جریان